

## جنبش کارگری در سال ۷۷

### بورژوازی خوب و بد و تلاش برای درهم ریختن مرز نیروهای انقلاب و ضد انقلاب!

خود، درابعادی وسیع و گسترده به میدان آمدند و به مبارزه و اعتراض دست زدند. بررسی دقیق تر این مطالبات و اشکال مبارزاتی کارگران و ارائه یک تحلیل از جنبش کارگری در سال گذشته، قبل از هر چیز مستلزم ارائه یک ارزیابی از شرایط جامعه ای است که جنبش کارگری بر بستر آن دوام و حیات یافته است. از اینرو، ضروریست تا مقدماتی نگاه می ولوبه اختصار، به مختصات عمومی شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه در سال گذشته بیان داریم .

صفحه ۳

جنبش کارگری، در سال ۷۷ نیز فراز و فرودهای زیادی را از سرگذراند. طبقه کارگر بویژه از ناحیه فشارهای اقتصادی کمرشکنی که سرمایه داران بر کرده او تحمیل کردند، سال بس دشواری را پشت سر گذاشت. برغم تعرض و شیخون آشکار سرمایه داران و دولت آنها به زندگی و معیشت کارگران، برغم مشکلات و موانع عدیده ای که بر سر راه مبارزات کارگری ایجاد کردند، مبارزات کارگری در یک سال گذشته نیز در اشکال و شیوه های مختلف و متنوعی ادامه یافت و کارگران برای دست یابی به مطالبات

بحرانی که ارکان رژیم جمهوری اسلامی را به لرزه درآورده است، دم به دم تشدید میشود. ناراضیاتی و اعتراضات توده ای ابعاد گسترده تری به خودمیگیرد. با گذشت هرروز، توده وسیع تری از مردم به مبارزه علنی و رودرروی با جمهوری اسلامی روی می آورند. در بطن همین اوضاع، تضادها و کشمکش جناح های هیئت حاکمه نیز چنان رشد کرده که به شکافی عمیق در دستگاه دولتی انجامیده است.

این واقعیتها نشان میدهند که بحران به مرحله قطعی رشد و ورسیدگی خود نزدیکتر میشود و توام با آن لحظه انقلاب نیز نزدیکتر میگردد.

در این شرایط وظیفه بسیار مهمی که در برابر انقلابیون کمونیست قرار میگیرد دفاع همه جانبه از استقلال طبقاتی کارگران، ترسیم خط مرزهای کاملاً صریح و روشن میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و تلاش برای تامین هژمونی طبقه کارگر بر جنبش انقلابی است.

تاکید بر این مساله به ویژه از آن روی اهمیتی دو چندان مییابد که در ایران دو نبرد در جریان است که به لحاظ ماهیت، اهداف و ترکیب نیروهایشان با یکدیگر تفاوت دارند. یکی مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داران و نظام طبقاتی سرمایه داری و برای سوسیالیسم و دیگری مبارزه عمومی مردم برای کسب آزادی ها و حقوق دمکراتیک. همانگونه که مبارزه همگانی مردم در جریان انقلاب علیه رژیم شاه نشان داد، عدم تحقق مطالبات آزادی خواهانه و دمکراتیک مردم باعث میگردد که با آغاز انقلاب توده وسیعی از مردم برای تحقق مطالبات خود به انقلاب و جنبش سرنگونی رژیم بپیوندند. این پیوستن اقشار وسیعی از توده مردم به انقلاب، در عین حال که قدرت اردوی انقلاب را علیه ضد انقلاب تقویت می کند، متضمن این خطر نیز هست که توده طبقه کارگر در جنبش دمکراتیک و همگانی حل شود، به زانده جنبش بورژوائی تبدیل گردد و نتیجتاً انقلاب و اهداف آن نیز باشکست روبرو شوند. تجربه انقلاب گذشته و شکست آن، این واقعیت را به همه انقلابیون کمونیست ایران نشان داد که چگونه در غیاب صف و سیاست مستقل طبقه کارگر و درهم ریختگی مرز نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، توده طبقه کارگر در جنبش همگانی و عموم خلقی حل شد و چگونه به علت همین ضعف، ضد انقلاب بورژوائی و مذهبی رهبری جنبش را به دست گرفت. آن را مهار کرد و سرانجام انقلاب را سرکوب نمود. برغم این که طبقه کارگر ایران یک انقلاب و شکست آن را تجربه کرده و درسهای زیادی در این مدت آموخته است، معیناً خطری که

صفحه ۲

## موج گرانی و راه مقابله با آن

ساله خود، رسماً قیمت بسیاری از کالاها و خدمات را ( نظیر آب، برق، سوخت و امثال آن) از ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش داده است که در هر حال این افزایش قیمت رسمی، خواه افزایش هفتاد و پنج درصدی بهای بنزین و خواه افزایش بیست و پنج درصدی بهای سایر کالاها و خدمات دولتی، بلافاصله تأثیرات روانی یا غیرروانی خود را بر جای گذاشته و افزایش شدید قیمت سایر کالاها و خدمات را، از حمل و نقل و لوازم یدکی که رابطه مستقیمی با بنزین دارند گرفته تا سایر کالاها و خدمات که ظاهراً رابطه ای و یا رابطه مستقیمی با بنزین ندارند در پی داشته است. هم اکنون نرخ کرایه ها از ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. قیمت بلیط اتوبوس های شهری ۴۰ درصد و کرایه تاکسی ۵۰ درصد افزایش یافته است. افزایش کرایه ها و هزینه حمل و نقل، منحصر

صفحه ۴

موج گرانی و افزایش قیمت ها، سراسر کشور را فرا گرفته و بار دیگر قیمت کالاها و مایحتاج عمومی افزایش جهش وار خود را آغاز کرده است. کسی جلودار تورم افسارگسیخته و افزایش روزانه قیمتها نیست. در همین دو سه ماهی که از سال ۷۸ میگذرد، قیمت اکثر کالاها از مواد غذایی، دارو، اجاره خانه و کرایه حمل و نقل گرفته تا خدمات دولتی، همه و همه آنها با شتابی حیرت آور افزایش یافته است. حتی اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی هم اعلام کرد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در تهران در فروردین سال جاری نسبت به ماه مشابه سال گذشته حدود ۲۰ درصد (۱۹/۷) افزایش یافته است. هر چند همین افزایش ۲۰ درصدی قیمت کالاها و خدمات مصرفی، برای اکثریت عظیم مردم زحمتکش جامعه و آنان که درآمدهای اندک و ثابت و یا تقریباً ثابتی دارند و بطریق اولی برای میلیونها بیکار که هیچگونه منبع درآمدی ندارند، بسیار فاجعه بار است و به معنای آن است که نظام استثماری حاکم این اکثریت عظیم را به فقر، بدبختی و محرومیت بیشتری سوق داده است، معیناً واقعیات مربوط به افزایش قیمت ها از این هم اسف بارتر است و نشان میدهد که روند افزایش قیمت ها در چند ماهه اخیر از این هم فاجعه بارتر بوده است.

در این زمینه اولاً بانک مرکزی و اداره آمار اقتصادی اش فراموش کرده است بگوید که دولت، البته با موافقت مجلس نرخ بنزین را از اول سال جاری از لیتری ۲۰۰ ریال به ۲۵۰ ریال افزایش داده است. بنا بر این در اینجا و عجلالتاً قیمت همین یک قلم، نه ۱۹/۷ درصد بلکه ۷۵ درصد افزایش یافته است. ثانیاً موضوع فقط افزایش بهای بنزین نیست. موضوع این است که دولت طبق روال مرسوم هر

### در این شماره

۱۶	یادداشت‌های سیاسی
۱۳	اطلاعیه های سازمان
۹	اخباری از ایران
۱۱	اخبار کارگری جهان
	جنبه هائی از پیشینه
۱۵	جنگ اخیر در یوگسلاوی
۷	گزیده ای از نامه های رسیده

و پوچی این ادعاها با استناد به این واقعیت روشن میگردد که توده ناآگاهی که گویا باید با این افشاگریها، آگاه و هدایت شوند، در این میان غایباند. آنها درجسالت چند نفره ای که تشکیل میدهند، بجز خودشان که همهعناصری با مواضع مشخص هستند با کس دیگری سروکار ندارند. نه تنها توده مردم از این مباحثات و افشاگریها بی خبرند، بلکه حتی دور و بری های خودشان هم خبر نمیشوند. این واقعیت نیز نشان میدهد که ادعای این جریانات در مورد افشاگری پوچ و بی پایه است. هدف همانا در هم ریختن مرز نیروهای انقلاب و ضدانقلاب و آماده کردن زمینه برای سازش ها و اتحادهای آتی با بورژوازی است.

اپورتونیسیم تنها در شکل و شمایل توده‌ای آن وجود ندارد، اپورتونیسیم اشکال مختلفی به خود میگیرد، و این هم نوع دیگری از اپورتونیسیم و تلاش برای سازش با بورژوازی است.

جریانات رادیکال و انقلابی کمونیست باید این سیاست اپورتونستی و سازشکارانه را بیرحمانه افشا کنند. بر این حقیقت باید تاکید شود که بورژوازی در کلیت آن یک نیروی ارتجاعی و ضد انقلابی است، چیزی به نام بورژوازی خوب و بد وجود ندارد و این یک ابداع اپورتونستی است. معیار ما انقلابیون کمونیست و مدافعین منافع طبقه کارگر، نه خوب و بد بودن بورژوازی بلکه نیروی مدافع و مخالف انقلاب، نیروی مدافع و مخالف طبقه کارگر است. همه افراد، گروهها، دستجات، احزاب و طبقاتی که مخالف انقلاب و علیه طبقه کارگران، مرتجع و ضدانقلابی هستند. تفاوتی هم نمیکند که این مخالفانقلاب و دشمن طبقه کارگر رضای فرح پهلوی باشد یا داریوش همایون و مهناز افخمی، خامنه ای و خاتمی باشد یا شیرین عبادی و مهرانگیز کار، جبهه ملی و نهضت آزادی باشد یا مجاهدین خلق.

روشن است که با رشد گسترش بحران و نزدیک تر شدن لحظه انقلاب، جریانات اپورتونستی و بورژوائی تلاش خواهند کرد، مرز انقلاب و ضدانقلاب را درهم بریزند، با بورژوائی سازش کنند، توده طبقه کارگر را به حل شدن در جنبش بورژوائی سوق دهند. در مقابل، ما کمونیستها، ما طرفداران انقلاب و استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان، این سیاستهای بورژوائی را پیگیرانه افشا میکنیم، پرچم دفاع از استقلال طبقاتی کارگران را در اهتزاز نگه میداریم و بی‌اعتمادی به همه جناح‌های بورژوائی را به کارگران می‌آموزیم.

واکثریتی ها را کنار بگذارند. به عنوان نمونه آنها اشاره میکنند که بورژوائی بدآمدهائی امثال خاتمی هستند و بورژوائی خوب، چاکران مرتجع خاتمی امثال شیرین عبادی و مهرانگیز کار. بر همین منوال بورژوائی بد آدم هائی مثل فرح پهلوی هستند و بورژوائی خوب، سلطنت طلبان مرتجعی امثال مهناز افخمی. پس باید حساب این بورژوائی خوب را از بورژوائی بد جدا کرد. استدلالشان هم این است که بهرحال فرق است میان آدمهائی مثل شیرین عبادی، مهرانگیز کار و مهناز افخمی با خاتمی و فرح و رضا پهلوی. با این بورژوائی خوب و نازنین میشود نشست و برخاست کرد، میتوان اجلاس مشترک تشکیل داد و حتی با آنها بر سر مطالبات معین متحد شد. چرا که آنها هر چند بورژوائی مرتجع و ضدانقلابی سلطنت و طرفدار جمهوری اسلامی هستند، معزدا گویا از حقوق کودک دفاع میکنند و در همان حدی که خانم فائزه هاشمی از "حقوق" زنان دفاع میکند، آنها نیز مدافع حقوق زنان هستند. لذا باید آنها را به عنوان گروهی، دسته ای و جناحی از بورژوائی خوب مجزا کرد. در همین حال جماعت دیگری میزگرد تشکیل میدهند و هدف خود را ایجاد صلح و صفا، جو تفاهم و دیالوگ میان تمام جریانات از سلطنت طلب گرفته تا جمهوری خواه، واز اکثریتی و توده ای تا چپ های کمونیست و دمکرات، قرار میدهند. هدف تمام این دستجات یکی است و آن درهم ریختن مرز میان نیروهای انقلاب و ضدانقلاب و بهره‌گیری از این اوضاع برای کنار آمدن و سازش با بورژوائی "خوب"، "رفرمیست" و "لیبرال". اینان البته نمی‌پذیرند که این سیاست، سیاسی بورژوائی و سازشکارانه است، بلکه از جمله مدعی هستند که میخواهند از این طریق جریانات بورژوائی را افشا کنند. اما این ادعا حقیقتاً مسخره است. توده‌های مردم ایران نظام سلطنتی را با قیام مسلحانه برانداختند و حالا کسانی پیدا شده اند که می‌گویند، ما با سلطنت طلبان اجلاس مشترک تشکیل می‌دهیم تا آنها را افشا کنیم. توده‌های مردم ایران مدتهاست که ماهیت سرتا یا ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و تمام طرفداران ریزودرشت آن را شناخته اند، حالا برخی ها میخواهند با متحدین دست دوم خاتمی جلسه تشکیل دهند و آنها را افشا کنند. کارگران و زحمتکشان ایران سالهاست که خیانت‌های بی‌انتهای حزب توده و اکثریت و همدستی آنها را بارزیم جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب و انقلابیون، می‌شناسند حالا جماعتی مدعی هستند که میخواهند با میزگردشان آنها را افشا کنند. اما این ادعاها تماماً پوچ است

## بورژوازی خوب و بد و تلاش برای درهم ریختن

### مرز نیروهای انقلاب و ضد انقلاب

گذشته وجود داشت، امروز هم در آستانه یک انقلاب جدید وجود دارد. چرا که امروز هم علاوه بر طبقه کارگر توده وسیعی از اقشار خرده بورژوائی برای تحقق مطالبات آزادی خواهانه، دمکراتیک و رفاهی خویش به مبارزه علیه رژیم برخاسته و تردیدی نیست که در جریان انقلاب نیز حضور خود را در جنبش حفظ خواهند کرد. این مشارکت اقشار غیر پرولتر در جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی، این خطر بالقوه را با خود دارد که اولاً توده طبقه کارگر در جنبش عمومی آزادی خواهانه و دمکراتیک حل گردد و ثانیاً چنانچه طبقه کارگر نتواند رهبری این نیروی خرده بورژوائی را به دست بگیرد، به علت نوسان ذاتی این نیرو، به سمت بورژوائی جلب شود. و بدین طریق یک بار دیگر بورژوائی رهبری خود را بر جنبش تثبیت کند و آنرا به شکست بکشاند. این خطر از این واقعیت سرچشمه میگیرد که در ایران به علت حاکمیت دیکتاتوری عریان و برقراری حکومت مذهبی، بخش‌هایی از بورژوائی که ماهیتاً ضد انقلابی هستند، از حاکمیت کنار نهاده شده در موضع اپوزیسیون قرار گرفته‌اند. مساله هم تنها به اینجا ختم نمیشود که در موضع اپوزیسیون قرار دارند، بلکه مدعی آزادی خواهی نیز هستند. درست است که این جریانات همانا از ترس انقلاب و توده کارگرو زحمتکش، امروزه تمام نیروی خود را برای حمایت و پشتیبانی از یک جناح حکومت به رهبری خاتمی بسیج کرده و تمام امید خود را به پیروزی وی بسته‌اند، اما اگر اوضاع از کنترل این جناح خارج شود و مردم به انقلاب روی آورند، اینان به عنوان کسانی که گویا با حکومت اسلامی مخالفت داشته، تلاش خواهند کرد با حمایت بورژوائی داخلی و بین‌المللی و ادعاهای آزادی خواهانه و وعده و وعید به مردم، جنبش انقلابی توده‌ای را مهار کنند و انقلاب را به شکست بکشند.

بنابراین در شرایطی که بحران سیاسی عمیق‌تر میشود، و لحظه فرارسیدن انقلاب نزدیکتر میگردد، باید دقیقاً این خطراتی که جنبش کارگری و انقلاب را تهدید میکند، شناخت و با آنها مقابله ای جسی کرد تا این بار نیز انقلاب به دست مرتجعین سرکوب نشود.

همانگونه که در آغاز گفته شد، راه مقابله با این خطرات نیز مقدم بر هر چیز تاکید هرچه بیشتر بر استقلال طبقاتی کارگران، مجزا ساختن صف و سیاست طبقه کارگر از تمام طبقات و اقشار، ترسیم خط مرزهای شفاف تر میان نیروهای انقلاب و ضدانقلاب، افشای هر چه بیشتر جریانات بورژوائی و ادعاهای آنها، و بالاخره افشا پیگیرانه جریاناتی است که میکوشند مرز نیروهای انقلاب و ضدانقلاب را درهم بریزند و مخدوش کنند. بر این نکته آخر تاکید بیشتری میکنیم، چرا که امروز برخی از جریانات که در حرف از کمونیسم و کارگر هم سخن میگویند، در تلاش اند صف انقلاب و ضدانقلاب را با تئوری پردازی در مورد بورژوائی خوب و بد درهم بریزند. اینان که در مرحله کنونی سیاست اتحاد با بورژوائی را از طریق سازماندهی کنفرانس ها و میزگردها پیش میبرند، ادعا میکنند که کمونیستها باید در سیاستهای گذشته خود تجدید نظر نمایند، میان بورژوائی بدو بورژوائی خوب تفاوت قائل شوند و ایضا سیاست بایکوت حزب توده



### حق اعتصاب و ایجاد تشکل های مستقل کارگری باید به رسمیت شناخته شود

رژیم جمهوری اسلامی توأم با سلب آزادیهای سیاسی مردم ایران، حق اعتصاب و تشکل مستقل را نیز از کارگران سلب نموده است. سازمان فدائیان اقلیت خواهان آن است که بلادرنگ حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود.

مرگ بر نظام سرمایه داری - مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی  
سازمان فدائیان (اقلیت)  
کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

## جنبش کارگری در سال ۷۷

### اوضاع اقتصادی و سیاسی

وضعیت اقتصادی بی‌تردید یکی از عرصه‌های است که جنبش کارگری از آن تأثیر می‌پذیرد و گاه در سمت و سودان خواست‌های کارگری نقش بسیار مهمی هم ایفا می‌کند. اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی در سال ۷۷، از سال‌های قبل از آن هم وخیم‌تر شد. در تمام طول یک سال گذشته، جمهوری اسلامی با یک بحران حاد اقتصادی روبرو بوده است. این بحران که از مدتها قبل در تمام زوایا و بخش‌های اقتصادی نظام حاکم ریشه دوانده است، در یکسال اخیر نیز بیش از پیش حدت یافته و ژرفای بیشتری بخود گرفت. مراکز صنعتی و موسسات تولیدی در یک رکود عمیق فرورفتند و علیرغم تلاش‌هایی که رژیم خصوصاً جناح خاتمی برای جذب سرمایه‌ها و برون‌رفت از این وضعیت بعمل آورد، روند تعطیلی و توقف کارخانه‌ها و مراکز تولیدی در ابعاد وسیع‌تر و گسترده‌تر از گذشته ادامه یافت. صدها کارخانه و مرکز تولیدی و صنعتی در سراسر کشور، بکلی تعطیل شد. صدها موسسه تولیدی دیگر بصورت نیمه تعطیل درآمد و در بسیاری از کارخانه‌ها و مراکز تولیدی ظرفیت تولید کاهش یافت. هزاران طرح و پروژه صنعتی و عمرانی متوقف گردید. چند صد واحد تولیدی فقط در نیمه اول سال ۷۷ بکلی تعطیل شده بود که اوائل مهر ماه دبیر کل خانه کارگران تعطیلی قریب الوقوع ۳۹۸ واحد تولیدی دیگر خبر داد! روند تعطیلی و توقف کارخانه‌ها و مراکز تولید ادامه یافت. پیامد این اوضاع، قبل از هرچیز اخراج‌های دسته‌جمعی و بیکارسازی‌های وسیع کارگران بوده است. صدها هزار کارگر از کار بیکار و به خیابان پرتاب شدند. صدها هزار کارگر دیگر در معرض اخراج و بیکاری قرار گرفتند. از سوی دیگر علیرغم رکود صنعتی و تولیدی، نرخ تورم با شتابی فزاینده سیر صعودی پیمود، قیمت کالاها و مایحتاج اولیه کارگران کرارا افزایش یافت. در برابر آن، دستمزد واقعی کارگران و قدرت خرید آنها روزبروز کاهش یافت، وضعیت مادی زندگی کارگران وخیم‌تر شد و سطح معیشت آنان به مراحل پائین‌تری تنزل نمود. علاوه بر این دولت که بخش‌های زیادی از مراکز تولیدی و صنعتی را در اختیار داشته است با کسری شدید بودجه مواجه بود، بخش زیادی از درآمدهای پیش‌بینی شده آن بویژه از محل فروش نفت بدلیل کاهش قیمت آن، متحقق نشد و از لحاظ مالی به ورشکستگی کامل دچار گردید. صدها طرح صنعتی و مرکز تولیدی که دولت از چرخاندن و اداره آن بازمانده بود، به سرمایه‌داران بخش خصوصی واگذار گردید و در سایر مراکز تولیدی، سیاست "تعديل" را ادامه داد. در تمام طول یک سال گذشته، این سیاست‌ها تحت عنوان "صرفه‌جویی" به مرحله اجرا گذاشته شد که عواقب آن بیکاری، بلاتکلیفی کارگران و فشارهای متماد بر دوش طبقه کارگر بوده است.

مجموعه این اوضاع اقتصادی عملاً شرایط مادی و معیشتی بس دشوار و خامت‌باری را برای کارگران به دنبال داشت. موج وسیع بیکارسازی‌ها، نه فقط تعرض وسیع و همه‌جانبه به سطح زندگی و معیشت کارگران به منظور خالی کردن سفره آنان از نان خالی بود و میلیون‌ها کارگر و اعضا خانواده‌های

کارگری را به فقر و سیاه‌روزی می‌انداخت، بلکه لطامات بسیار سنگینی را نیز بر طبقه کارگر و جنبش مطالباتی آن وارد ساخت. کارفرمایان و سرمایه‌داران از این شرایط بحرانی ورکود، به حداکثر، سو استفاده کردند. شیخ‌الخارج و بیکاری را بطور دائمی بر فراز سر کارگران شاغل به چرخش درآورده و این حربه را بوفور علیه کارگران، مبارزات و مطالبات آنان بکار گرفتند. قراردادهای موقت کار، به شیوه رایج سرمایه‌داران تبدیل شد و در هر کجا که توانستند از این حربه نیز علیه کارگران و کل جنبش طبقه کارگر سود جستند. دهها هزار کارگر از طریق اجبار به امضای قرارداد های موقت، نه فقط بخش‌هایی از حقوق و مزایای خود را از دست دادند، بلکه اکنون کارفرما می‌توانست به هر بهانه‌ای فوراً کارگران را اخراج کند. هزاران کارگر دیگر نیز بالاجبار خود را باز خرید کرده و کارخویش را از دست دادند. با این همه سرمایه‌داران و کارفرمایان به این حد از تهاجم به زندگی کارگران و فشار بردوش طبقه کارگر اکتفا نکردند و در بسیاری از موارد از پرداخت دستمزد کارگران نیز ظفره رفتند و از پرداخت بموقع حقوق و مزایای کارگرانی که تحت همین شرایط دشوار به کار مشغول بودند و وحشیانه استثمار می‌شدند خودداری کردند و از این حربه نیز چون اهرمی برای فشار علیه کارگران و جنبش مطالباتی آنان سود جستند. پدیده عدم پرداخت به موقع دستمزدها که در ابتدا شامل این یا آن کارخانه و واحد تولیدی میشد، به سرعت به یک پدیده عمومی و رایج در اغلب موسسات تولیدی تبدیل شد. هنوز اواسط سال بود که دبیرکل خانه کارگر گفت "۳۹۲ واحد تولیدی با مشکل پرداخت حقوق کارگران مواجه‌اند" و رسالت آبان ۷۷ نوشت "حقوق بیش از ۴۰۰ هزار کارگر پرداخت نشده است" کارگران حتی در برابر درخواست حقوق‌های خویش، آن هم با چندین ماه تاخیر، تهدید به اخراج شدند! نه فقط هیچ‌گونه تضمین و امنیت شغلی وجود نداشت، بلکه برعکس، سایه شوم اخراج، از دست دادن شغل، بلاتکلیفی و تعطیل کارخانه، در محیط‌های کارگری همچنان نافذ بود. اوضاع اقتصادی و تنگناهای معطوف به آن، در یک کلام عرصه را بر پیشروی مبارزه کارگری و ابراز وجود طبقه کارگر تنگ میکرد.

و اما آنچه را که اجمالاً در مورد اوضاع سیاسی می‌توان به آن اشاره کرد این است که در یک سال گذشته دور بی‌پایان کشمکش و نزاع میان جناح‌های حکومتی ادامه یافت و بیش از پیش تشدید گردید. بحران سیاسی و جنگ جناح‌ها وارد مراحل بسیار حاد تری شد. شکاف عمیقی که در میان حکومتیان دهان باز کرده بود، روزبروز ژرف‌تر و عمیق‌تر گردید. بر متن این اوضاع بحرانی و توازن قوای سیاسی که تضعیف جناح مسلط حکومتی و به یک اعتبار تضعیف کل رژیم در برابر مردم را رقم زده بود، جنبش‌های اعتراضی و آزادیخواهانه سربرآوردند. توده‌های زحمتکش مردم که در کمین رژیم نشسته بودند، با جرات بیشتری زبان به اعتراض گشوده و در فریادهای آزادیخواهانه، حقوق لگد مال شده خود را طلب کردند. تمامی تلاش‌های رژیم برای پر کردن این شکاف عمیق، بی‌نتیجه ماند. مزید بر آن، تهدیدهای فرمانده سپاه به بریدن زبان و قطع

کردن و حتی عملی شدن این تهدیدها توسط وزارت اطلاعات و امنیت و عمل سرکوب رژیم، از قبیل آدم ربائی‌ها، حمله به مطبوعات و بالاخره کشتار فجیع نویسندگان و مخالفین برای ایجاد جو رعب و هراس در جامعه و خفه کردن آن کار ساز شد که بماند حتی نتایج معکوسی هم به بار آورد و جنبش‌های اعتراضی توده‌ای رادمان زد. روشن است که جنبش کارگری، نمی‌توانست از مجموعه این معادلات و از چنین فضا و شرایطی بکلی برکنار بماند و از آن تأثیر نگیرد.

بر متن این شرایط سیاسی و اقتصادی است که جنبش کارگری در یکسال گذشته گام‌هایی به پیش برداشته و مبارزه برای تحقق مطالبات خویش دست به مبارزه زده‌اند. در کنار این شرایط اگر محرومیت کارگران از اتحادیه‌ها و تشکلهای مستقل کارگری را نیز در نظر بگیریم و فقدان یک جریان چپ کارگری قوی و اثرگذار که بتواند در سازماندهی، هدایت و رهبری سیاسی مبارزه کارگری نقش موثر و معنی داری ایفا کند را بآن اضافه کنیم، آنوقت به تجسم واقعی تروعینی تر از شرایط مبارزه کارگری نزدیکتر شده‌ایم.

### مطالبات کارگری

حقیقت آن است که کارگران در سال گذشته شرایط بسیار سخت و دشواری را از سر گذراندند. تهاجم وسیع و همه‌جانبه‌ای را که سرمایه‌داران و دولت‌شان علیه کارگران تدارک دیده بودند و تعرض آنان به شرایط کار، زندگی و معیشت کارگری، طبقه کارگر را در موقعیت بسیار دشواری قرار داد و محدودیت‌های معینی بر سر راه مبارزات کارگری ایجاد گردید. تعطیل و توقف کارخانه‌ها، اخراج‌های جمعی، بیکارسازی‌های وسیع، رواج و استفاده از قراردادهای موقت، باز خرید کارگران، عدم پرداخت به موقع دستمزدها که تماماً تشدید فشار کار و استثمار کارگران را در پی داشت، همه و همه مستقیم و بیواسطه یا غیر مستقیم، اثرات منفی و کابنده‌ای بر جنبش مطالباتی کارگران برجای گذاشت. اگر چه کارگران از همان ابتدای این تهاجم گسترده سرمایه‌داران در برابر آن واکنش نشان دادند و علیه آن به مبارزه برخاستند و حتی بخش‌های وسیعی از کارگران در راستای پیشروی‌های خود و به منظور عقب‌راندن کارفرمایان و سرمایه‌داران، مطالباتی نظیر انعقاد قرارداد های دسته‌جمعی، افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و نظیر آن را به میان کشیدند، اما خواست‌های عمومی تری که در این شرایط تحمیلی ضرورتاً به صدرخواست یک اکثریت قابل توجهی از کارگران نقل مکان کرد، اساساً ناظر بر تلاش کارگران برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع و در مقابل به خانه خرابی بیشتر بود. جدول شماره یک، (\*) فراوانی عمده‌ترین مطالباتی را که کارگران در سال گذشته مطرح نموده و برای آن مبارزه کرده‌اند، بر حسب تعداد و درصد، نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول نیز نشان داده شده است، یکی از خواسته‌های عمده کارگران در سال گذشته، پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده بوده است. این خواست که قبل از هرچیز بازتاب اعمال زور و تشدید فشار سرمایه‌داران بر کارگران است و به تنهایی در برگیرنده ۳۳ درصد مطالبات کارگران بوده است، در درجه اول از سوی کارگران مشغول به کار و بعد هم در واحدهایی که به صورت نیمه

و بیکار ساخته و فضای ناامنی برای اشتغال سایر کارگران و ادامه کاری شاغلین ایجاد کرده بودند، توانستند بر این خواست مبرم و فوری تا حدودی، تاکید میکنیم تا حدودی مهار برتند و مانع از طرح بالفعل آن در ابعادی جامع تر و وسیع تر شوند و مطالبات فوری دیگری را بر لیست مطالبات کارگران تحمیل کنند. معهدا این خواست، توسط بخش های وسیعی از کارگران به میان کشیده شد و بویژه در ماههای آخرا سال ابعادی گسترده یافت. در مرحله بعدی، مطالباتی چون بازگشت بکار، اعتراض به توقف کارخانه یا در واقع خواست ادامه کاری واحد تولیدی و استخدام رسمی، جزو خواستههای پر شمار کارگری بوده اند که این ها نیز تماما "خصلت دفاعی دارند."

و اما علاوه برخواست افزایش دستمزدها که توسط بخش وسیعی از کارگران مطرح شده است، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و انعقاد قراردادهای دسته جمعی کار نیز از جمله مهمترین مطالبات کارگری در یکسال اخیر بوده است. اگر چه مورد آخر، از جانب پیشروترین بخش طبقه کارگر یعنی توسط کارگران نفت مطرح شده است، اما این مسئله به خودی خود حائز اهمیت بسیار زیادی است نه فقط از این بابت که در شرایط تعرض سرمایه داران، این خواست با قوت و پیگیری مطرح و برای آن مبارزه شده است، بلکه بویژه از این بابت هم حائز اهمیت و قابل توجه است که نفتگران توانسته اند تحت همین شرایط نیز حرکات اعتراضی هماهنگ و متحدانه ای را حول این خواست عمومی کارگران نفت سازمان دهند. تاکید بر این مسئله از این جنبه مهم و ضروری است که این درست است که طرح مطالبات کارگری علی العموم مستقیما تحت تاثیر وضعیت و فشارهای اقتصادی و تعرض سرمایه داران قرار گرفته است اما نمونه مبارزات کارگران نفت نشان می دهد که درجه آگاهی و تشکل کارگران حتی اگر این تشکل نسبی هم باشد، نقش مهمی در طرح مطالبات و در مبارزه علیه سرمایه داران و برای عقب راندن آنها بازی میکند.

معهدا حقایق آماری مربوط به مبارزه و جنبش کارگری در سال گذشته نشان می دهد که مطالبات کارگری از این دست به لحاظ کمی محدود تر بوده است. حتی چنانچه خواست بهبود شرایط کار (ردیف ۱۰) و خواستههای متفرقه (ردیف ۱۳) را نیز به مجموعه مطالبات ردیف های ۴ و ۸ و ۹ هم اضافه کنیم، رقمی حدود ۲۷ درصد حاصل میشود که این رقم حتی از نصف مجموعه ارقام (۷۳ در صد) بقیه ردیف ها یعنی حرکات اعتراضی برای مطالبات با خصلت دفاعی کمتر بوده است.

### اشکال مختلف حرکات اعتراضی کارگران

قبل از پرداختن به اشکال اعتراضات کارگری، لازم است به دو نکته تاثیر گذار بر کمیت این اعتراضات بطور خلاصه اشاره کنیم. نکته اول نتایج دوگانه تعرض سرمایه داران به معیشت کارگران است. این تعرض همه جانبه همانطور که در بخش پیشین بان پرداختیم، یک جنبه اش کند کردن جنبش مطالباتی کارگران بود. این تعرض، فشار بر کارگران را آنقدر تشدید نمود و شرایطی را بر آنان تحمیل کرد، که بیشترین مطالبات خصلت دفاعی بخود گرفت. اما

بعد از تعرض گسترده سرمایه داران و دولت آنها به شرایط کار و زندگی کارگران و در مقابل با آن بمیان کشیده شده اند. خواست هائی که در اساس، ناظرند بر تلاش کارگران به حفظ و نگاهداری مواضع قبلی و دفاع از موقعیت پیشین و نه فرضا " برای گرفتن امتیازی جدید از سرمایه داران."

بعد از اینها، خواست افزایش دستمزدها قرار گرفته است. افزایش سرسام آور قیمت ها، تنزل فاحش دستمزدهای واقعی و قدرت خرید کارگران در سال ۷۷، یک واقعیت انکار نکردنی بود که حتی وابستگان رژیم هم به دشواریهای معیشتی و زیر خط فقر بودن زندگی و نرم حقوقی کارگران اعتراف کردند. این واقعیت که معنایش تشدید فقر، فلاکت و گرسنگی

← تعطیل در آمده اند و یا عجالتا " متوقف شده و کارگران را در حالت بلاتکلیفی و سرگردانی نگاه داشته اند، به میان کشیده شده است. در مرحله بعدی اعتراض به اخراجها و خواست توقف آن قرار گرفته است. این مطالبه عموما " توسط کارگران اخراج شده یا همکاران آنها که خطر اخراج آنها را تهدید می کرده است صورت گرفته است. امنیت شغلی، خواست بعدی کارگران و موضوع مبارزه کارگری بوده است. این خواست نیز اساسا در واحدهائی مطرح شده است که یا به صورت نیمه تعطیل در آمده اند و یا موقتا " تعطیل گشته و در هرحال کارگران در حالت بلاتکلیفی و در معرض

### جدول شماره (۱)

فراوانی عمده ترین مطالبات کارگری در سال ۷۷ بر حسب تعداد و درصد

شماره	مطالبات	تعداد	درصد
۱	پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده	۶۳	۳۳/۱۵
۲	توقف اخراجها (اعتراض به اخراجها)	۲۱	۱۱/۰۵
۳	امنیت شغلی	۲۰	۱۰/۵۳
۴	افزایش دستمزدها	۱۸	۹/۴۷
۵	بازگشت به کار	۱۵	۷/۸۹
۶	ادامه کاری کارخانه	۷	۳/۶۸
۷	استخدام رسمی	۷	۳/۶۸
۸	انعقاد قراردادهای دسته جمعی	۶	۳/۱۵
۹	اجرای طرح طبقه بندی مشاغل	۶	۳/۱۵
۱۰	بهبود شرایط کار	۶	۳/۱۵
۱۱	کار و اشتغال	۳	۱/۵۷
۱۲	حق بیمه بیکاری	۳	۱/۵۷
۱۳	متفرقه (*)	۱۵	۷/۸۹
جمع		۱۹۰	۱۰۰

\* در ردیف مطالبات متفرقه، مطالباتی چون بن کارگری، دفترچه خواروبار، لباس، امکانات رفاهی، پاداش و عیدی و نیز ۳ مورد اعتراض به نحوه برخورد مدیریت منظور شده است.

بیشتر کارگران بود، خواست افزایش دستمزدها را به خواستی فوری تبدیل کرده و به صدر خواست های کارگری می راند. با وجود آنکه افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم خواست عمومی و مبرم کارگران بود، اما سرمایه داران و دولت آنها که به بهانه های مختلف، مراکز تولیدی و کارخانه ها را پشت هم خوابانده و صدها هزار کارگر را اخراج

اخراج و بیکاری بوده اند. اعتراض به قراردادهای موقت کار و باز خرید اجباری کارگران نیز اگر چه بخشا " اعتراضی است به زدن پاره ای از مزایای حقوقی کارگران توسط سرمایه داران، اما اساسا " متوجه عدم تضمین شغلی است و جزو خواست امنیت شغلی منظور شده است. در هرحال روشن است که این دسته از مطالبات کارگران، اساسا "

## زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

## تاریخ مختصر جنبش بین‌المللی کارگری (۳۹)

### فروپاشی انترناسیونال دوم

گونه اقدامی از اعتصاب عمومی یا منفرد، خرابکاری و امثالهم صورت نخواهد گرفت و نباید از آن بیمناک بود، چرا که ما طالب صلح ایم." (۳) وی سپس ادامه میدهد که کمیته اجرایی حزب با وقوف به مسئولیت خود، ضرورت اجتناب از اظهارات خودخواهانه و گمراه کننده را در مطبوعات میپذیرد. کمیسیون عمومی اتحادیه های کارگری نیز "صلح مدنی" را اعلام نمود و از کارگران خواست که از دولت حمایت کنند. مطبوعات حزب سوسیال دمکرات، مقالات متعددی را به توجیه اقدامات رهبری حزب و دفاع از دولت اختصاص دادند. در یکی از مقالات گفته می شد: "هرچند که خلق آلمان جنگ را نمیخواست، اما اکنون باید با تمام نیرو در آن مشارکت نماید، چرا که شکست یک فاجعه است و رنجهای ناگفتنی به بار خواهد آورد." "ما نباید اجازه دهیم زنان و فرزندانمان قربانی بیرحمی قزاقها شوند." در مقاله دیگری ادعا شد که "ما تا آخرین لحظه برای پاسداری از صلح تلاش نمودیم، اما نتیجه ای در پی نداشت. . . اکنون، کاربرای صلح تمام است. مسائل دیگری در برابر ما قرار گرفته است. اکنون یک مسئله ما را در چنگال خود گرفته است: "آیا ما می خواهیم برای پیروزی تلاش کنیم؟ پاسخ ما "آری" است." "اکنون ما باید از کلیت تمدن آلمانی و آزادی آلمان در برابر دشمن بیرحم و بربر دفاع کنیم." (۴)

گروه پارلمانی سوسیال دمکراتهای آلمانی نیز در ۴ اوت به اعتبارات جنگی رای داد. آنها هم در بیانیه خود گفتند: "خطر حمله دشمن ما را تهدید می کند." "امروز ما نه در مورد این مسئله که موافق یا مخالف جنگیم، بلکه در مورد این مسئله که چه گامهایی باید برای دفاع از کشور برداشت، می باید تصمیم بگیریم." ضروریست که خطر تزاریسم را دور کنیم و فرهنگ و استقلال کشورمان را تامین نمائیم. ما میهن مان را در لحظه دشوار رها نمی کنیم. ما احساس می کنیم که بر طبق موازین انترناسیونال عمل می نمائیم که حق هر ملتی را برای استقلال ملی و دفاع از خود به رسمیت شناخته و تمام جنگهای توسعه طلبانه را محکوم کرده است. با الهام از این اصول است که ما اعتبارات لازم را تصویب می کنیم (۵) این اظهارات و رفتار، دیگر هیچ ربطی به سوسیالیسم، انترناسیونالیسم و منافع طبقه کارگر نداشت. حزب سوسیال دمکرات آلمان به یک حزب سوسیال - شویونیست تبدیل گردید. سوسیال - شویونیست های آلمانی همگام با بورژوازی کشور خود، از طبقه کارگر آلمان می خواستند که اسلحه بردارد و آنرا به سوی برادران خود نشانه رود.

در دیگر کشورهای اروپایی نیز رهبری احزاب سوسیالیست، یا لاقول اکثریت آنها چنین موضعی اتخاذ نمودند. آنها نیز برای توجیه سیاست های جنگ طلبانه دولت های بورژوائی کشورشان، مسئله جنگ تدافعی و ضرورت دفاع از میهن و دمکراسی را مطرح کردند. آنها هم طبقه کارگر را به حمایت و پشتیبانی از دولت خودی و دفاع از میهن فرا خواندند. سوسیال دمکراتهای اطریش که کشورشان در جبهه دولت آلمان قرار داشت، سیاست سوسیال - شویونیست های آلمان را مورد تحسین قرار دادند. سوسیالیستهای فرانسه و بلژیک هم پرولتراهای کشورهای خود را به دفاع از میهن فرا خواندند. رهبران حزب سوسیالیست فرانسه و بلژیک در یک بیانیه مشترک گفتند: "ما محقیم که از استقلال و خود مختاری ملتمان علیه امپریالیسم آلمان دفاع کنیم." (۶) با این اوضاع، دیگر تکلیف حزب کارگر بریتانیا روشن بود. این حزب در مجلس عوام گفت که بریتانیا مسیردیپلماسی مسالمت آمیز را پیموده است و حالا باید اسلحه به دست در برابر تجاوز آلمان ایستادگی کند. حزب معتقد است که اگر انگلیس تعهدات خود را نسبت به بلژیک انجام نداده بود و کنار ایستاده بود، احتمال پیروزی ارتش آلمان وجود داشت و پیروزی آلمان مرگ دمکراسی در اروپاست. (۷) رهبران اتحادیه های کارگری بریتانیا نیز "متارکه صنعتی" اعلام نموده و اعتصاب را در حین جنگ ممنوع کردند. احزاب کشورهای بیطرف نظیر، سوئیس، سوئد و هلند نیز به دفاع از دولت خودی برخاستند. در این میان جناح موسوم به مرکز احزاب سوسیال دمکرات نیز کاری جز این نکرد که مستقیم و غیرمستقیم جناح راست را تقویت کند. تنها معدودی از احزاب یا جناحی از احزاب سوسیال دمکرات در برابر این جنگ امپریالیستی موضعی انقلابی و انترناسیونالیستی اتخاذ نمودند. به اعتبارات جنگی رای ندادند. به تبلیغ علیه جنگ دست زدند، از کارگران خواستند که از شلیک به سوی برادران خود پرهیز کنند و اسلحه خود را به سوی دولت خودشان و بورژوازی خودشان برگردانند.

"سوسیالیست های سراسر جهان در کنفرانس بال ۱۹۱۲، رسماً اعلام نمودند که جنگ قریب الوقوع اروپایی راجحی "جنایتکارانه" و ارتجاعی ترین اقدام تمام حکومت ها میدانند که باید از طریق برپائی یک انقلاب علیه آن، سقوط سرمایه داری را تسریع نمود. جنگ فراسید و بحران پدید آمد، اما اکثریت احزاب سوسیال دمکرات به جای تاکتیک های انقلابی به تاکتیک های ارتجاعی روی آوردند و به جانبداری از بورژوازی و دولت متبوعه خود برخاستند. این روی گردانی از سوسیالیسم به معنای فروپاشی انترناسیونال دوم (۱۹۱۴ - ۱۸۸۹) است..." (۱)

همان گونه که پیش از این دیدیم، قطعنامه های انترناسیونال دوم، بویژه قطعنامه های اشتوتگارت و بال، به روشنی، علل و خصلت جنگ امپریالیستی را مدتها قبل از وقوع آن، تحلیل کردند و رهنمود هائی برای عمل سوسیالیستها در حین جنگ ارائه دادند. بیانیه بال از جنگی که طبقات حاکمه در پی برافروختن آن بودند، به عنوان جنگی غارت گرانه که مغایر منافع کارگران است یاد نمود. بیانیه می گفت که کارگران، شرکت در این جنگ را جنایت میدانند" و "هرگونه شلیک به یکدیگر را به خاطر سود سرمایه داران، افتخارات دودمانی و معاهدات سری دیپلماتیک، جنایتکارانه در نظر می گیرند." با یادآوری "جنگ فرانسه و آلمان، قیام انقلابی کمون" و جنگ روس و ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵، از سوسیالیست ها می خواست که از بحران و خشم کارگران استفاده کنند و سقوط فرمانروائی طبقه سرمایه دار را تسریع نمایند.

این جنگ فراسید. در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴، امپراطوری اطریش - مجارستان به صربستان اعلان جنگ داد. تا ۴ اوت، روسیه، آلمان، بریتانیا و فرانسه نیز به جنگ پیوستند و جنگ جهانی آغاز گردید.

دفتر بین الملل سوسیالیست، فراخوان یک اجلاس اضطراری را در بروکسل داد. این اجلاس در فاصله ۲۹ تا ۳۰ ژوئیه برگزار شد. اغلب رهبران احزاب سوسیالیست در این اجلاس حضور یافتند. در این اجلاس به پیشنهاد روزالوکزامبورگ تصمیم گرفته شد، که کنگره ای در ۱۹ اوت به عنوان یک کنگره اضطراری در مورد مسئله جنگ درپاریس برگزار شود. بخش دیگری از مباحث این اجلاس در مورد جنگ بود. تعدادی از سران احزاب سوسیالیست در این مورد سخنرانی کردند. از همین بحثها روشن بود که اغلب احزاب سوسیالیست نمیخواهند مطابق مصوبات کنگره های انترناسیونال موضعی انقلابی در مقابل جنگ ارتجاعی - امپریالیستی اتخاذ کنند. آنها هریک به نحوی از دولت خودشان دفاع کردند و جنگ طلبان خارجی را محکوم نمودند. ویکتور آدلر، رهبر حزب سوسیال دمکرات اطریش از غافلگیر شدن سوسیالیستهای اطریشی سخن گفت. وی با اعلام نمود که حزب خلق سلاو شده و نمی تواند کاری انجام دهد. او با هراس، از تهدید حزب و مطبوعات حزبی سخن گفت. آدلر، انجام اقدامات انقلابی پرولتاریا علیه جنگ را منتفی اعلام نمود و حتی ایده اعتصاب را نیز فانتزی محض نامید. (۲) سوسیالیستهای انگلیسی و فرانسوی هم از تلاشهای صلح طلبانه دولتهای خود سخن گفتند. این اجلاس با تصویب قطعنامه ای به کار خود پایان داد. در این قطعنامه از پرولتراهی تمام کشورها خواسته شده بود که صرفاً به ادامه اظهارات اکتفا نکنند، بلکه اظهارات خود را علیه جنگ، بخاطر صلح و حل درگیری اطریش و صربستان از طریق وساطت یک دادگاه تشدید کنند. قطعنامه از سوسیالیستهای آلمان می خواست که دولت خود را تحت فشار قرار دهند تا جلواقدامات اطریش را بگیرد. از سوسیالیست های فرانسه نیز میخواست به دولت خود فشار آورند تا روسیه را به عدم مداخله در این درگیری تشویق کند. به پیشنهاد روزالوکزامبورگ، در این قطعنامه همچنین گفته شد که بوروی سوسیالیست به گرمی از برخورد انقلابی پرولتراهای روسیه استقبال میکند و از آن میخواهد که اقدامات قهرمانانه خود را علیه تزاریسم که موثرترین تضمین در مقابل تهدید جنگ جهانی است، ادامه دهد. اما در این قطعنامه در مورد خصلت این جنگ و راه حل مقابله جوی با آن چیزی گفته نشد.

چند روز پس از این اجلاس، جنگ همه گیر شد. کنگره اضطراری که قرار بود در پاریس تشکیل شود، دیگر برگزار نشد. بوروی انترناسیونال هم به هلند منتقل شد و بخاطر اختلافات شدید دیگر جلسه ای تشکیل نداد.

با ورود دولت آلمان به جنگ، اکثریت رهبری حزب سوسیال دمکرات آلمان آشکارا به دفاع از دولت خودی و حمایت از جنگ برخاست. آلبرت سودکوم از رهبران حزب با صدر اعظم آلمان یک ملاقات خصوصی داشت و در پی آن طی نامه ای به وی اطمینان داد که "هیچ

"هاینه، سودکرم، لاندسبرگ، دیوید، نمایندگان و رهبران نمونه وار این قشراند. یک چنین قشری در فراکسیون سوسیال دمکرات آلمان هم نمایندگان خود را دارد. در ۱۸۹۲، در میان ۳۵ نماینده سوسیال دمکرات در رایشستاگ، ۴ تن را صاحبان مسافرخانه ها تشکیل میداند. در ۱۹۰۵ به شش تن از مجموع ۸۱ نماینده سوسیال دمکرات افزایش یافتند. در ۱۹۱۲ به ۱۲ نفر از مجموع ۱۱۰ نماینده سوسیال دمکرات رسیدند.

این رهبران ایدئولوژیک - سیاسی خرده بورژوازی در حالیکه نقطه اتکال خود را عقب مانده ترین لایه های طبقه کارگر قرار دادند، ترندی در دوران سوسیال دمکراسی ایجاد کردند. تدریجا "دولتی در درون دولت" تشکیل شد، نفوذ خرده بورژوازی دائما "بیشتر شد و خود سوسیال دمکراسی تبدیل به یار نیمه راه، یاران نیمه راه شد. این یاران نیمه راه نبودند که خود را با سوسیال دمکراسی وفق دادند، بلکه این سوسیال دمکراسی بود که خود را با آنها وفق داد." (۱۱)

دیگر احزاب سوسیال دمکرات نیز دارای وضعیت مشابهی بودند. اما تکیه گاه و سرمنشأ طبقاتی اپورتونیسیم در احزاب سوسیال دمکرات انترناسیونال دوم تنها خرده بورژوازی نبود، بلکه بوروکراسی و اشرافیت کارگری نیز بود. اگر در گذشته تنها در انگلیس بود که لایه فوقانی طبقه کارگر به علت انحصار بریتانیا در بازار جهانی به صورت یک لایه ممتاز و مرفه شکل گرفته بود که پایگاه بورژوازی در جنبش طبقه کارگر بود، در مرحله امپریالیستی تکامل سرمایه داری، این لایه در تمام کشورهای پیشرفته سرمایه داری شکل گرفت. بورژوازی، بخش ناچیزی از ما فوق سودهای کلان انحصاری را به این لایه اختصاص داد. این لایه مرفه و ممتاز به لحاظ شیوه زندگی و تفکر بورژوا شدند. بورژوازی از این لایه فوقانی طبقه کارگر به عنوان مهم ترین ابزار برای اشاعه ایده های بورژوازی و اپورتونیسیتی در میان کارگران و محدود کردن مبارزه آنها به دایره مناسبات موجود استفاده کرد. در حقیقت اشرافیت کارگری نقش عامل بورژوازی را در جنبش طبقه کارگر به عهده گرفت و به این طبقه خیانت کرد. لنین در تحلیل این پدیده می نویسد: "بدیهیست با یک چنین مافوق سود هنگفتی (زیرا این سود مافوق آن سودیست که سرمایه داران از طریق بهره کشی از کارگران کشور خود به چنگ میآورند) میتوان رهبران کارگران و قشرفوقانی کارگران را که قشر اشرافیت کارگری میباشند، خرید. این قشر را همان سرمایه داران کشورهای "پیشرو" میخرند و این عمل را هم به هزاران وسائل مستقیم و غیر مستقیم، اشکار و پنهان انجام میدهند.

این قشر کارگران بورژوا شده یا "قشر اشرافیت کارگری" که از لحاظ شیوه زندگی و میزان دستمزد و به طور کلی جهان بینی خود کاملاً "خرده بورژوا هستند" تکیه گاه عمده انترناسیونال دوم و در این ایام ما تکیه گاه عمده اجتماعی (نه جنگی) بورژوازی را تشکیل می دهند. زیرا اینها عاملین واقعی بورژوازی در جنبش کارگری و مباحثین کارگری طبقه سرمایه داران و مجریان حقیقی رفرمیسیم و شووینیسیم هستند." (۱۲)

نقش مشابهی رانیز بوروکراسی کارگری ایفا نمود. بوروکراسی کارگری را جریان در درون جنبش کارگری تشکیل می داد که سازمان های توده ای کارگری را در کشورهای سرمایه داری هدایت و رهبری می کارگری حزبی، کردند. هر چند که بوروکراتهای درون جنبش کارگری بخشا "از میان آریستوکراسی کارگری آمده بودند، اما عمدتاً" فعالین اتحادیه ای و تشکل های دیگر نظیر تعاونی ها بودند که شغل کارگری خود را رها کرده و تبدیل به کارکنانی شده بودند که از حزب و اتحادیه ها حقوق می گرفتند. آنها از موقعیت ممتازی برخوردار بودند و حقوق های معمولاً بالاتری می گرفتند.

زینویف در همان نوشته "ریشه های اجتماعی شکاف در انترناسیونالیسم دوم" در مورد نقش و موقعیت بوروکراسی کارگری با استناد به آمار و اطلاعات مربوط به آلمان توضیح میدهد که "کل تعداد مقامات حقوق بگیری که برای حزب و اتحادیه ها در ۱۹۱۴ در آلمان کار می کردند ۴۰۱۰ نفر بود. . . آنها درآمدی بالاتر از درآمد یک خرده بورژوازی متوسط دارند و از مدتها پیش کار خود را رها کرده اند. . . بر طبق محاسبه ما، ۴ هزار کارگزار، اگر بیشتر نباشد لاقلاً دوازده هزار پست مهم اتحادیه ای و حزبی را در اختیار خود گرفته اند. هر کارگزار کما بیش موثری، همزمان ۲ یا ۳ و گاه حتی تعداد بیشتری مقام و منصب دارد. او در همان حال که نماینده رایشستاگ و سردبیر روزنامه است، عضو پارلمان منطقه ای هم می باشد و دبیر حزب نیز هست. رئیس یک اتحادیه، سردبیر یک نشریه، کارمند تعاونی و عضو شورای شهر و غیره است. بدین طریق است که تمام قدرت در حزب و اتحادیه ها در دست این چهار هزار فوقانی متمرکز میگردد. (حقوق ها نیز افزایش می یابند و انباشته میگردد. بسیاری از مقامات جنبش کارگری هر سال ده هزار مارک و بیشتر دریافت میکنند). همه چیز وابسته به آنها میشود. آنها تمام دستگاه قدرتمند مطبوعات، تشکیلات، انجمنهای کمک متقابل، تمام دستگاه انتخاباتی و غیره را در دست خود می گیرند." (۱۳)

این بوروکراسی کارگری که در موقعیت ممتازی قرار گرفته بود، مدافع

آنها از انقلاب سوسیالیستی و انترناسیونالیسم پرولتری دفاع نمودند. در پیشاپیش این گرایش چپ انقلابی، حزب بلشویک به رهبری لنین قرار داشت. اما این گرایش در انترناسیونال دوم ضعیف بود. جریان مسلط را اپورتونیسیم آشکار و پوشیده راست و مرکز تشکیل میداند. سیاستهای اپورتونیسیتی احزاب سوسیالیست، دفاع طلبی سوسیالیست های کشورهای اروپائی و حمایت آنها از دولت های خودی، به انشعاب در انترناسیونال و فروپاشی آن انجامید.

علت این فروپاشی انترناسیونال دوم چه بود؟ علت این فروپاشی در آن نبود که جنگ باعث از هم گسیختگی مناسبات و روابط میان احزاب سوسیالیست شده بود، بلکه اپورتونیسیم انترناسیونال دوم و ورشکستگی ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی آن علت این فروپاشی بود.

اپورتونیسیم انترناسیونال دوم، طی بیش از دو دهه دوران مسالمت تدریجا "رشد کرده بود. اغلب احزاب سوسیالیست، انقلاب اجتماعی و شیوه های انقلابی مبارزه را عملاً کنار نهاده بودند و تنها به شیوه های قانونی و پارلمانی مبارزه باور داشتند. آنها همکاری طبقاتی را جایگزین مبارزه طبقاتی کردند و بیشکلی پوشیده دست به اتحاد با بورژوازی زدند. این سیاست اپورتونیسیتی در سوسیال - شووینیسیم به نضج کامل خود رسید. اتحاد با بورژوازی که پیش از این مخفی بود، شکلی آشکار به خود گرفت. "جنگ، اتحاد پنهانی اپورتونیسیتها و بورژوازی را به اتحادی علنی تبدیل کرد." (۸)

لنین در تحلیل بنیادهای ایدئولوژیک این اپورتونیسیم می نویسد: "دفاع از همکاری طبقاتی، کنار نهادن ایده انقلاب سوسیالیستی و روش های انقلابی مبارزه، تطبیق خود با ناسیونالیسم بورژوازی، انکار این واقعیت که خطوط مرزی ملیت و کشور از نظر تاریخی گذرا هستند، بت ساختن از قانونیت بورژوازی، رد نقطه نظر طبقاتی و مبارزه طبقاتی از ترس دفع "توده های وسیع جمعیت" (یعنی خرده بورژوازی) - بدون شک اینها هستند، بنیادهای ایدئولوژیک اپورتونیسیم و از همین خاک است که ذهنیت شووینیسیتی و وطن پرستانه اغلب رهبران انترناسیونال دوم رشد کرده است." (۹)

اما این اپورتونیسیم و شووینیسیم در دهه اول رشد نکرده بود، زمینه های عینی اجتماعی و طبقاتی داشت. احزاب سوسیال دمکرات اروپائی که سالهای مدید با مبارزه قانونی و پارلمانی بسر برده بودند، برای جلب حمایت خرده بورژوازی و کسب ارل آنها مدام از مواضع پرولتری کوتاه آمده بودند، به طرح شعارهایی پرداختند که خرده بورژوازی رم نکند. آنها حتی اقلی از خرده بورژوازی را به صفوف خود پذیرفتند. زینویف در تحلیل جامع خود از ریشه های اجتماعی اپورتونیسیم به آلمان اشاره میکند و می نویسد: "ترکیب حزب سوسیال دمکرات آلمان و اتحادیه های کارگری این کشور، قطعاً پرولتری تر از هر حزب دیگر اروپائی است. با این وجود، ما در اینجا چه میبینیم؟ سوسیال دمکراسی آلمانی، آمار جامعی در مورد ترکیب اجتماعی کل تشکیلات حزبی اش ندارد. اما چنین آماری برای شهر برلین موجود است که تا حدوی میتوان آن را نمونه ای برای تمام حزب در نظر گرفت.

یک تحقیق آماری عالی در مورد ترکیب سازمان سوسیال دمکرات آلمان در برابر ما قرار دارد که حدود ۸ یا ۹ سال پیش تهیه شده (حدوداً سالهای ۱۹۰۷ - ۱۹۰۶) و میتوان آنرا هنوز معتبر دانست.

برلین بزرگترین مرکز کارگری و مهم ترین سنکر سوسیال و مکراسی آلمان است. این آمار مربوط به سال های ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ است که شامل ۵۲۱۰۶ عضو سازمان یافته حزب سوسیال دمکرات است (۸۱ درصد تمام اعضای عالی در آن زمان در حزب سوسیال دمکرات در برلین متشکل شده بودند). در نظر اول، دو نکته جلب نظر می کند. اولاً وجود یک گروه از نظر کمی قوی از افراد غیر کارگر در سازمان سوسیال دمکرات که از آنها بعنوان "خود کارکن" نام برده میشود. ثانیاً درصد بالنسبه کوچکی از اعضای حزب که از کارگران غیرماهر تشکیل شده اند. گروه نخست یعنی کسانی که از طریق فروش نیروی کار خود زندگی عالی نمی کنند ۵۲۲۸ نفراند (از مجموع ۵۲۱۰۶) یعنی ۹/۸ درصد تمام اعضای حزب را که مورد بررسی گرفته اند، تشکیل می دهند. بنا بر این می بینیم که تقریباً ۱۰ درصد تمام سوسیال دمکراتهای متشکل را در شهر برلین آلمان و حوالی آن غیر کارگران تشکیل می دهند. . . هزاران مسافر خانه چی، صدها مالک کارخانه های کوچک، تجار و پیشه وران مستقل، اینها اشخاص منفردی نیستند که موضع پرولترها را پذیرفته باشند بلکه این یک قشر کاملاً متمایز است که منافع خود، روانشناسی خاص خود و شیوه تفکر خودش را حفظ کرده است" (۱۰)

واضح است که این قشر وسیع خرده بورژوازی در حزب سوسیال دمکرات آلمان که در سالهای بعد نیز به بر کمیت آن افزوده شد، تاثیر مشخص خود را بر خط مشی و سیاستهای احزاب سوسیال دمکرات برجای می گذاشت. دادن امتیازات به آنها و عقب نشینی های مداوم، همراه با تقلیل مداوم خواسته های کارگران بود. آنها تدریجا "سخن گوینان و رهبرانی نیز در حزب پیدا کردند. زینویف می نویسد که

## موج گرانی و راه مقابله با آن

## گزیده ای از نامه های رسیده

توصیح کوتاهی برستون گزیده‌ای از نامه‌های رسیده

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند ، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله ، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد .

تحریریه کار درگزینش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است .

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هائی از نامه های رسیده و همچنین یادداشتهائی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب ، لزوما بمعنی تأیید مواضع نویسندگان نامه یا تشکلهای نمیشد.

از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه مینویسند درخواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قلبی

**سوئیس** \_ دوست عزیز (م \_ ب) ضمن تاسف از مسائل و مشکلاتی که اخیراً برای شما به وجود آمده است ، همانطور که خواسته بودید ، عجلتاً ارسال نشریه کار را متوقف کردیم. امیدواریم هرچه زودتر مشکلات و موانعی که منجر به تقاضای توقف ارسال نشریه کار شده است برطرف گردد و شما بتوانید مثل گذشته نشریه کار را دریافت کنید.

**انگلستان** \_ رفیق عزیز (ق) ، نامه مورخ ۹۹/۳/۱۹ و نیز نامه مورخ ۹۹/۵/۱ را همزمان و با تاخیر زیاد دریافت کردیم . کار تا شماره ۳۲۵ ( اردیبهشت ) همچنان به آدرس قبلی شما فرستاده شده بود .

بهرصورت آدرس جدید شما را در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم تا بعد از این نشریه کار به آدرس جدید ارسال شود . نا گفته نماند که با وجود آنکه کار شماره ۳۲۵ به آدرس قبلی شما فرستاده شده بود ، یک شماره هم به آدرس جدید شما ارسال گردید. پیروز باشید.

**آلمان** \_ نشریه پژوهش کارگری ، نامه شما همراه بروشور مربوط به کتاب پژوهش کارگری به دستمان رسید . خواسته بودید خبر انتشار سومین شماره کتاب پژوهش کارگری را در نشریه کار درج کنیم که ما هم برای اطلاع خوانندگان نشریه کار از انتشار این کتاب، چنین کردیم. موفق باشید.

**"پیام زن"** \_ از سوی "پیام زن" ، نشریه جمعیت انقلابی زنان افغانستان ، نامه ای برای نشریه کار ارسال شده است که در آن از جمله به برگزاری

مراسمی به مناسبت هشتم مارس روز جهانی زن در شهر پشاور پاکستان نیز اشاره شده است. ارسال کنندگان نامه نوشته اند که در این مراسم که بیش از هزار نفر در آن شرکت کرده بودند، افرادی از احزاب

یافته است.

هم‌اکنون بسیاری از اقلام دارویی به همین سرنوشت دچار شده اند . شرکت های واردکننده یا صاحبان کارخانه های تولید دارو، مسئولین مربوطه، مقدمتا از توزیع دارو در داروخانه ها خودداری میکنند تا بعد از ایجاد کمبود دارو، قیمت آن را به چند برابر افزایش دهند. یک مسئول امور دارویی در شهر ساوه در مورد افزایش قیمت دارو و کمبود ۳۰ قلم دارو در ده داروخانه این شهر می گوید : " کارخانجات تولید کننده دارو به منظور افزایش نرخ رسمی، با تاخیر اقدام به پخش دارو می کنند!"

باید در نظر داشت که این افزایش جهش و اوارسرسام آور ۴۰، ۵۰، ۱۰۰، ۱۵۰ درصدی قیمت ها در حالی صورت می گیرد که دستمزد های اسمی کارگران فقط به میزان بسیار ناچیزی افزایش یافته و ماهانه از ۴۰ هزار تومان هم کمتر است و حقوق کارمندان نیز فقط ۱۶/۵ درصد افزایش یافته است. واضح است که این ارقام بهیچوجه با نرخ تورم خانوائی و تناسبی نداشته و ندارد و این مسئله از روزهم روشنتر است که قدرت خرید اکثریت مردم زحمتکش بطور فاحشی کاهش یافته است و بدین ترتیب کلیه اقشار زحمتکش و حقوق بگیر و قبل از همه، کارگران، روز بروز فقیرتر شده و سطح معیشت آنها به مراحل بازم پائین تری تنزل نموده است . به راستی کارگری که ۳۸ هزار

تومان حقوق میگیرد و بیش از دوسوم آن را برای اجاره خانه میپردازد، چگونه باید سایر هزینه های زندگی را تامین کند ؟ این در حالیست که دستمزد واقعی کارگران مرتباً کاهش یافته است . ارزش ریال روز بروز سقوط نموده و یک دلار آمریکا اخیراً از ۸۵۰ تومان هم تجاوز کرده است . یک کارگر در رابطه با مشکلات کارگران به روزنامه کار و کارگر می نویسد " با ماهی ۴۰ هزار تومان حقوق باید ۳۰ هزار تومان کرایه خانه بپردازد تازه این در صورتی است که بیش از یک میلیون پول پیش داشته باشد!" یک مامور دولتی به روزنامه سلام مینویسد " ۱۲ سال است خدمت میکنم حقوقم ۴۱ هزار تومان است ۲۵ هزار تومان کرایه خانه میدهم با ۱۶ هزار تومان (چگونه) باید زندگی کنم (؟)"

حقیقت آنست که از ناحیه گرانی و افزایش قیمتها ، فشارهای کمر شکن و غیرقابل تحملی برگرده کارگران و سایر اقشار محروم و زحمتکش وارد شده و فقر در میان آنان بیش از پیش تشدید کرده است. تشدید فشاربجعی است که حتی افراد وابسته به جناح ها و دم دستگاه حکومتی نیز زبان به باصطلاح انتقاد گشوده اند. بعنوان نمونه "جامعه اسلامی کارگران" که یک تشکل وابسته به جناح رسالتی ها، یعنی جناحی است که دائماً از کارگران میخواید که به فکر آب و نان و خربزه نباشند و بجای آن به اسلام عزیز بیاندیشند، در قطعنامه ای که به مناسبت روز جهانی کارگر صادر کرده است می نویسد " مرز خط فقر را بانک مرکزی ۱۲۰ هزار تومان درآمد ماهیانه اعلام کرده است حال آنکه حداقل دستمزد کارگری ۳۶ هزار تومان است که فقط یک سوم خط فقر را می پوشاند" ( نقل به معنی ) . معنای این حرف آن است که حداقل دستمزد کارگران لااقل میبایستی دویست در صد (سه برابر) افزایش یابد تا کارگران بتوانند با آن دستمزد در مرز خط

به تهران هم نمیشود و بسیاری از شهرستانها رانیز شامل میشود. نرخ کرایه ها در اکثر شهرهای بزرگ مانند ، مشهد ، تبریز ، اصفهان افزایش یافته است. این موج گرانی شهرهای کوچک تر را نیز فرا گرفته است. در اردبیل نرخ پایه تاکسی ۵۰ درصد افزایش یافته است. سازمان اتوبوسرانی قزوین قیمت بلیط اتوبوس را ۲۵ درصد افزایش داده است. قیمت بلیط اتوبوس های شهری در سنندج ۱۰۰ درصد افزایش یافته است.

اوضاع در مورد مواد غذائی نیز بر همین منوال است و بهل آن دانه "سیرصعودی" پیچیده است. کره، روغن، مرغ، تخم مرغ بازم گرانتر شده است. شیر که همین چندی پیش گران شده بود ، مجدداً طبق مصوبه شورای اقتصاد ۱۳ در صد افزایش یافت و از هزار ریال به هزار و ۱۱۳ ریال رسید و متعاقب آن قیمت انواع فرآورده ها از جمله پنیر، افزایش یافته و باز هم گرانتر شده است . بهل یک کیلو گوشت قرمز، (گوساله) مردود هزار تومان را هم پشت سر گذاشته است. انواع حبوبات تا ۳۰ درصد سبزیجات از ۲۰ تا ۵۰ درصد، قند و شکر ۲۵ تا ۴۰ درصد و انواع چای از ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است . سایر مواد غذائی نیز تقریباً بدون استثنا با افزایش قیمت روبرو بوده است. حتی قیمت نان هم که بخش اصلی غذای عموم کارگران و زحمتکشان و محرومان است نیز افزایش یافته است . رسالت هشتم اردیبهشت می نویسد انواع نان ماشینی در تبریز حداقل ۲۵ در صد افزایش یافته است. هرقرص نان لواش ماشینی از ۵۰ ریال به ۷۰ ریال بربری از ۸۰ ریال به ۱۰۰ ریال و سنگک از ۱۵۰ ریال به ۲۰۰ ریال رسیده است . اجاره خانه نیز دائماً بالا رفته و اخیراً ۴۰ درصد افزایش یافته است.

اوضاع قیمت ها در بخش خدمات پزشکی و درمانی از این هم وخیم تر است. بنا به مستندات روزنامه های وابسته به رژیم، تعرفه درمانی نسبت به سال گذشته تا ۲/۵ برابر افزایش یافته است. طبق تعرفه جدید سازمان نظام پزشکی ، حق ویزیت پزشک عمومی از ۴ هزار ریال در سال گذشته به ۸ هزار ریال در سال جدید ( صددرصد)، پزشک متخصص از ۶ هزار ریال به ۱۵ هزار ریال (صد و پنجاه در صد) و فوق تخصص ( مثل ارتوپد و روانشناس) از ۸ هزار ریال به ۲۰ هزار ریال (ایضا) صد و پنجاه درصد) افزایش یافته است. بسیاری از اقلام دارویی نیز بطور سرسام آوری گران شده است . قطره ای بنام "مینی رین" برای بیماران دیابتی که قبل از عید ۱۵۰ تومان بود از بعد از عید به ۱۷ هزار تومان به فروش می رسد . یک بیمار دیابتی که نارضایتی عمیق خود را از این مسئله و افزایش سرسام آور قیمت این قطره به روز نامه سلام انعکاس داده و چرائی آنرا پرسیده بود که بعد هم روزنامه سلام از وزارت بهداشت و مسئولین نظارت بر قیمت داروها این موضوع را پرسیده بود و سر انجام ایشان هم چند روز بعد در پاسخ خود عنوان کرده بودند که علت این مسئله کمبود این دارو بوده است و اکنون بهل این قطره دیگر ۱۷ هزار تومان نیست و به قیمت ۸ هزار تومان توزیع می شود! همانطور که ملاحظه میکنید قیمت این دارو که در اواخر سال گذشته ۱۵۰ تومان بوده است، در یک چشم بهم زدن بیش از ۵۰ برابر افزایش

## جنبش کارگری در سال ۷۷

جنبه دیگر اعمال چنین فشارها و تعرض این بود که در عین حال توده کارگران را در سطح بسیار وسیع و گسترده بسیج می کرد و ابعاد اعتراضات کارگری را گسترده تر می ساخت. نکته دوم تاثیر پذیری جنبش اعتراضی کارگری از شرایط سیاسی جامعه است. تعمیق شکاف حکومتی و حدت بحران سیاسی در سال گذشته و سرانجام توازن قوای سیاسی، شرایط بالنسبه مساعدتری برای به میدان آمدن نیروی اعتراض کارگری فراهم ساخت و در مجموع حرکات اعتراضی کارگری ارزش کمی قابل ملاحظه ای نیز برخوردار گردید.

اعتراضات کارگری در سال گذشته نیز در اشکال مختلف و متنوعی ادامه یافت. در تمام طول این یک سال حتی یک هفته هم بدون چند اعتراض کارگری نگذشت. کارگران درهرکارخانه و موسسه تولیدی، بسته به موقعیت، تجارب و پیشینه مبارزاتی خود، از اشکال گوناگون مبارزه برای طرح مطالبات خود استفاده کرده اند. بر پائی تجمعات اعتراضی، اعتصاب، تحصن، راه پیمائی و تظاهرات و سرانجام تهیه و ارسال نامه و طومار، از جمله مهمترین اشکال حرکت های اعتراضی کارگران بوده است. برای پیشبرد بهتر امر مبارزه، کارگران گاه ترکیبی از اشکال مبارزه را بکار گرفته و از چند شکل مبارزه توأمان سود جستند. نمونه کارگران کاشان که در اعتراض به واگذاری بیمارستان تأمین اجتماعی، ابتدا در محل بیمارستان دست به تحصن زدند، سپس تجمعات اعتراضی برپا کرده و سرانجام دست به تظاهرات و راه پیمائی زدند.

## تجمع اعتراضی:

با این همه تا آنجا که بررسی آماری اعتراضات کارگری در یک سال گذشته نشان میدهد و در جدول شماره ۲ که در آن فراوانی اشکال عمده حرکات اعتراضی کارگران برحسب تعداد و درصد مشخص شده، انعکاس یافته است، کارگران برای دست یابی به مطالبات خود، بیش از هر شکل دیگری از برپائی تجمعات اعتراضی در برابر کارخانه ها و یا مراکز دولتی استفاده کرده اند و بیش از ۴۰ درصد حرکت های اعتراضی کارگری، بصورت برپائی تجمعات اعتراضی بروز یافته است. دهها هزار کارگر در سراسر ایران برای دست یابی به مطالبات خود و در مقابله با کارفرمایان، اجتماعات اعتراضی برپا کردند که برای نمونه از جمله میتوان از موارد زیر یاد کرد.

تجمعات اعتراضی و مکرر بیش از هزارتن از کارگران پروژه های نفت آبادان در برابر مراکز دولتی و اداره کار (ارديبهشت و خرداد) با خواستهائی چون قرار دادهای دسته جمعی، استخدام رسمی، ضمانت شغلی و توقف اخراجها، تجمع اعتراضی متجاوز از ۷۰۰ تن از کارگران نفت آبادان در برابر فرمانداری (مهر ماه) ایضا" با خواست استخدام رسمی و لغو احکام اخراجها، تجمع اعتراضی کارگران شرکت شفاورد تالش (فروردین ماه) با خواست اجرای آئین نامه استخدامی و طرح طبقه بندی مشاغل، تجمعات اعتراضی و مکرر صدها تن از کارگران صنایع چوب ایران در برابر فروشگاه مرکزی این شرکت (مرداد

## جدول شماره (۲)

فراوانی اشکال عمده حرکات اعتراضی کارگری در سال ۷۷ برحسب تعداد و درصد

شماره	شکل اعتراضی	تعداد	درصد
۱	تجمع اعتراضی در برابر کارخانه یا مراکز دولتی	۵۴	۴۰/۶
۲	اعتصاب	۲۸	۲۱
۳	تحصن	۹	۶/۷
۴	نامه و طومار اعتراضی	۳۵	۲۶/۳
۵	راه پیمائی و تظاهرات	۷	۵/۲
جمع		۱۳۳	۹۹/۸

## زیرنویس:

جداول و آمارو ارقام ارائه شده، اساسا بر مبنای خبرهای انتشار یافته در نشریه کار و همچنین با استفاده از برخی نشریات سایر جریانهائی چپ و انقلابی تنظیم شده است. می دانیم که به دلیل حاکمیت خفقان و سرکوب بر جامعه بسیاری از خبرهای مربوط به اعتصابات و اعتراضات کارگری در جائی انعکاس نمی یابد. از اینرو روشن است که مجموعه خبرهای انتشار یافته در این نشریات فقط بخشی از حرکت های اعتراضی کارگری را در بر میگیرد و ارقام واقعی مربوط به اعتصاب و سایر حرکت های اعتراضی کارگری در سال ۷۷، یقیناً بیشتر از اینهاست.

و شهر یور). تجمع ۱۲۰۰ تن از کارگران کارخانه الکتریک رشت (شهر یور ماه) تجمع کارگران شرکت کرمانیت کرمان در اداره کل کار کرمان (مهرماه). تجمع اعتراضی دو هزارتن از کارگران شرکت صنعتی جهان کرج در محوطه کارخانه (آبان ماه) با خواست پرداخت حقوق و مزایای معوقه و تجمعات اعتراضی دو هزار کارگر جهان چیت (دیماه) در اعتراض به اخراج و برابری بازگشت بکار و حقوقهای پرداخت نشده.

این ها و دهها نمونه دیگر مویید این قضیه است که در سال ۷۷، برپائی تجمعات اعتراضی، یکی از عمده ترین اشکال مبارزه کارگری بوده است. (ادامه دارد)

## گزیده ای از نامه های رسیده

این تهدید نامه، یک نمونه از اقدامات ارتجاعی و سرکوبگرانه دارو دسته طالبان و مرتجعین وابسته به آن را نشان می دهد. روشن است که این تهدید نامه اهانت آمیز مرتجعین، در ضدیت با زنان و محدود ساختن دامنه مبارزه زنان افغانی و در اساس به قصد سرکوب مبارزات دمکراتیک زنان است و از طرف هر انسان و جریان آزادی خواه و مبارزی محکوم است.

آلمان \_ کاسل، رفیق عزیز (ب): نامه محبت آمیز شما و نیز مبلغ ۱۰۰ مارک آلمان که بابت آبونه نشریه کار ارسال کرده بودید، بدستمان رسید. خوشحالم از اینکه مشکل مالی شما بخشا" سبک تر شده است. نشریه کار، همچنان برایتان ارسال خواهد شد. در ضمن جا دارد تا از تلاش های شما برای آنکه سایر دوستان و آشنایان، نشریه کار را مشترک شوند، قدردانی کنیم. طبعاً این ها همه نشان از احساس مسئولیت شما است. پیروز باشید.

و گروههای سیاسی افغانی و پاکستانی به سخنرانی پرداخته اند و برگزاری این مراسم در برخی از روز نامه های پاکستانی نیز انعکاس یافت. قابل ذکر است که خانمی از کانادا و از سازمانی بنام "زنان برای زنان در افغانستان" که در این مراسم سخن رانی کرده بود، مورد تهدید واقع گردید و از سوی جریانات ارتجاعی و وابسته به طالبان برای او نامه تهدید آمیزی ارسال شد که در آن ضمن اهانت مکرر به زنان متشکل در "راوا"، آنان تهدید به مرگ شده اند. در این نامه تهدید آمیز از جمله آمده است "هشدار... ما مطلع شدیم که شما با گروه فواحشی بنام راواتماس دارید آنان که... با اسلام و طالبان در جنگ اند، شما بهتر است روابط خود را با این گروه قطع کنید و سربازان اسلام را با حرکات ضد اسلامی خود نرنجانید، شما قدم به قدم تعقیب می شوید. این اولین و آخرین هشدار است. مجازات زنان راوا مشخص است... شما بهتر است جان خود را نجات دهید... آنان قطعاً به سزای اعمال خود خواهند رسید. یک سرباز اسلام"

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



را شکستند. قابل ذکر است که سال گذشته نیز بیکاران شوشتر به حرکات اعتراضی دست زده بودند و بیکاران دزفول نیز با مراجعه به اداره کار این شهر برای کار و عدم واگذاری کار، به حرکت مشابهی دست زده بودند.

## نامه اعتراضی

روز ۲۵ فروردین، شرکت صنایع ضایعات فلزی اهواز به بهانه زیان ده بودن این واحد تعطیل شد و به این ترتیب دهها کارگری که هنوز در این کارخانه مشغول به کار بودند، از کار بیکار شدند. کارگران که قبل از این چندین بار خطر تعطیلی کارخانه را هشدار داده بودند، در اعتراض به تعطیلی این واحد، نامه اعتراض آمیزی به فرمانداری و نیز روزنامه کار و کارگر فرستادند. کارگران در نامه خود از جمله چنین اشاره کرده‌اند که این شرکت از چند سال پیش به دلیل سوء مدیریت و ریخت و پاش های بیمورد و هزینه های آنچنانی از جمله حقوق های کلان اعضا هیئت مدیره و عدم برنامه ریزی صحیح به حالت رکود و تعلیق کشانده شد و اخیراً "نیز زرمه انحلال آن اعلام گردید و نگرانی دهها کارگر با سوابق کاری ۷ تا ۱۵ سال آغاز شد و سرانجام با تعطیلی این شرکت در ۷۸/۱/۲۵ این نگرانی افزایش یافت. کارگران در ادامه نامه خود نسبت به این مسئله اعتراض نموده و خواستار جلوگیری از انحلال شرکت و همچنین خواستار بررسی و اعلام بیان مالی این واحد شده‌اند تا " مشخص شود که این واحد نه تنها زیان ده نبوده، بلکه در مدت کارکرد خویش، سودی کلان نیز داشته است". موضوع بسیار مهم دیگری که کارگران در نامه اعتراضی خود به آن اشاره کرده اند اینست که آنان با اشاره به ناتوانی سهام داران از اداره شرکت، برای به دست گرفتن امور آن، اعلام آمادگی کرده اند. کارگران نوشته اند "حاضریم در قالب پیمان های دسته جمعی امورش شرکت را خود به دست گرفته و علاوه بر هزینه های جاری و پرسنلی، سودی نیز به سهامدار بدهیم!" و بالاخره در انتهای نامه کارگران چنین هشدار داده‌اند، چنانچه به خواسته‌های آنها رسیدگی نشود، در مقابل فرمانداری و دیگر ادارات مسئول، تجمعات اعتراضی برپا خواهند کرد.

## اعتراض کارگران پتروشیمی اراک

کارگران قرار دای پتروشیمی اراک در نامه ای که برای مطبوعات فرستادند، نسبت به تصمیم مسئولین برای از بین بردن طبقه بندی کارگری، اعتراض کردند. مسئولین مربوطه از کارگران قراردادی خواسته اند بعنوان کارمند زیر دیپلم به حساب آیند، حال آنکه هیچیک از کارگران به این امرراضی نیستند و با آن مخالف اند. کارگران ضمن اعتراض به این تصمیم، خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و استخدام رسمی شده اند.

## اعتراض کارگران "مجتمع شهید رجائی"

بیش از ۲۰۰ نفر از پرسنل "مجتمع شهید رجائی" در تاریخ ۱۸ فروردین، توسط مدیریت این مجتمع اخراج شدند. این کارگران که بسیاری از آنها بیش از ۸ سال سابقه دارند، در اعتراض به این اقدام، نامه ای اعتراض آمیز به روزنامه ها فرستادند. در

## اخباری از ایران

### تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

روز اول اردیبهشت ماه، نزدیک به ۳۰۰ تن از کارگران شهرداری، در مقابل شهرداری منطقه ۴ تهران، یک تجمع اعتراضی برپا کردند و خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. از دیگر خواست های کارگران شهرداری که اکثراً مدت ده سال است که بصورت قراردادی مشغول به کارند، این بود که به استخدام رسمی درآیند و از حقوق و مزایای کارگران رسمی برخوردار شوند. قابل ذکر است که صدها تن از کارگران شهرداری منطقه ۴ که مسئولین مربوطه مانع از پیوستن آنان به اجتماع کارگران شده بودند، در داخل محوطه این شهرداری و به نشانه حمایت از کارگران اعتراض کننده و همبستگی با آنها، تجمع اعتراضی برپا کردند.

### اجتماع اعتراضی کارگران نانوائی

کارگران نانوائی های اصفهان با تجمع در برابر دفتر نماینده این شهر در مجلس ارتجاع، نسبت به طرح معافیت کارگاههای تا ۳ نفر کارگر از شمول قانون کار و تامین اجتماعی، شدیداً اعتراض کردند. شایان ذکر است که کامران نماینده اصفهان یکی از کسانی است که در موافقت با این طرح رای داده است. کارگران در این تجمع اعتراضی خود، ضمن اشاره به عواقب وخامت بار این طرح برای کارگران، از فرد یادشده خواستند در این زمینه تجدید نظر کند.

### کارگران کوره پزخانه بیمه نیستند

انجمنهای صنفی کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد، قرچک، پاکدشت و ورامین در نامه ای خطاب به رئیس جمهور که رونوشت آنرا برای کاروکارگر نیز فرستادند، ضمن اشاره به برخی از مشکلات کارگران کوره پزخانه، خواستار آن شدند که زیر پوشش تامین اجتماعی در آمده و از مزایای آن برخوردار شوند. کارگران در نامه خود از جمله نوشته اند "کارگران کوره پزخانه ها در بدترین شرایط ممکن کار می کنند... نه وضعیت بیمه درمانی این کارگران روشن است و نه امیدوارند که روزی روزگاری اگر بیکار شدند (که احتمالش هر لحظه می رود) تحت پوشش بیمه بیکاری قرار بگیرند" در انتهای نامه کارگران خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده اند.

### حرکت اعتراضی بیکاران در شوشتر

هزاران تن از بیکاران و افراد جویلی کارد در شوشتر که برای کار و استخدام به شرکت کشت و صنعت کارون مراجعه کرده بودند، و هیچگونه کاری به آنان واگذار نشده بود، دست به اعتراض زدند. این بیکاران که مدت‌هاست در جستجوی کار می باشند و هیچکس خود را در مقابل اشتغال آنان مسئول نمیداند و از تامین حداقل مخارج زندگی و حق بیمه بیکاری نیز محروم‌اند، در ادامه اعتراض خود به محل کارخانه این شرکت حمله کرده و شیشه در و پنجره های آن

## اعتصاب کارگران شرکت صنایع بسته بندی

حدود ۲۰۰۰ تن از کارگران شرکت صنایع بسته بندی، در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد و مزایای کارگران دست به اعتصاب زدند. گفته می شود که کارگران توام با این اعتراض دست به اعتصاب غذای زدند.

### اعتصاب فولاد مبارکه

روز یازدهم اردیبهشت ماه، کارگران مجتمع فولاد مبارکه دست از کار کشیدند. کارگران اعتصابی ضمن طرح پاره ای از خواسته های صنفی، نسبت به تفاوت فاحش رقم پاداش کارگران و مدیران اعتراض کردند.

## اعتصاب کارگران کارخانه آزمایش مروشدت

در اواخر اردیبهشت کارگران کارخانه آزمایش مروشدت به عنوان اعتراض به عدم پرداخت حقوق و پاداش، شرایط کار و مدیریت کارخانه اعتصاب کردند. نیروهای سرکوب دولتی برای پایان دادن به اعتصاب تعدادی از کارگران را دستگیر و زندانی نمودند.

### اعتراض کارگران سمنان

جمع زیادی از کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی سمنان، روز سه شنبه بیست و یکم اردیبهشت ماه با برپائی یک تجمع اعتراضی در محل خانه کارگران استان، نسبت به تصمیم مسئولین برای واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی، شدیداً اعتراض کردند. قابل ذکر است که مسئولین دولتی با ساخت و پاخت با نمایندگان سمنان در مجلس، تصمیم گرفته اند بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی تامین اجتماعی را که با استفاده از حق بیمه کارگران ساخته شده است، به یک بیمارستان آموزشی تبدیل کرده و آنرا در اختیار دانشگاه علوم پزشکی قرار دهند. کارگران معترض، در این تجمع اعتراضی به مسئولین هشدار داده و راه پیمائی و تظاهرات اعتراض آمیز کارگران کاشان را به آنان یادآوری کرده اند.

## اجتماع کارگران کارخانه گاز مایع اصفهان

کارگران گاز مایع اصفهان که مدتی است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند، به عنوان اعتراض در برابر استانداری اجتماع نمودند و خواهان پرداخت فوری حقوق و مزایای خود شدند.

### اجتماع کارگران شرکت جامکو

دهها تن از کارگران شرکت جامکو در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود در اوائل اردیبهشت جلوزارت صنایع اجتماع نمودند و خواستار پرداخت دستمزد های معوقه شدند. متجاوز از ۱۱ ماه است که کارگران این شرکت حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. در نتیجه اعتراضات کارگران در سال گذشته، قرار شد که مبلغ ۳ میلیارد ریال برای حل معضلات این کارخانه و پرداخت حقوق کارگران اختصاص یابد. اما کارگران می گویند که این وعده عملی نشد.



این نامه کارگران به تضییع حقوق خود در زمان اشتغال به کار و محرومیت از حق بهره وری، بن کارگری، شناسنامه کار و امثال آن اشاره نموده و خواستار بازگشت به کار و رسیدگی به مشکلات خود شده اند.

## کارگران همچنان اخراج می شوند

مدیر کل کار و امور اجتماعی استان مرکزی گفت پارسال ۱۲ هزار شکایت از سوی کارگران به هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف ادارات کار استان مرکزی ارجاع شده که از این تعداد ۶ هزار مورد مربوط به اخراج کارگران بوده که ۱۷۰۰ مورد آنها بازگشت به کار شده‌اند. وی همچنین افزود که در سال گذشته ۵۷۰ فقره حادثه ناشی از کار در واحدهای تولیدی و صنعتی استان مرکزی رخ داده که ۴۶ مورد آن منجر به فوت کارگران شده است.

## طرح بیکار سازی کارگران در مجلس

طبق اعترافات مقامات رسمی و وابسته به رژیم در صورت تصویب نهائی طرح خروج کارگاه‌های با کمتر از ۳ نفر کارگر از شمول قانون کارو تامین اجتماعی در مجلس، امنیت شغلی کارگران در استان‌های مختلف کشور در ۴۵ تا ۸۵ درصد از واحدهای تولیدی، بیش از پیش به خطر می‌افتد و عنقریب اخراج و بیکار می‌شوند. در استان آذربایجان غربی این نسبت حداقل ۵۰ درصد است، در خراسان ۶۹ درصد، فارس ۴۷، کردستان ۸۰، سیستان و بلوچستان ۷۵ و گلستان (گرگان) ۸۵ و در استان زنجان حدود ۷۰ درصد است. وزیر کار نیز در این مورد چنین عنوان کرد که طرح فوق، ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر و یک میلیون و ۹۰۰ هزار کارگاه را در بر می‌گیرد.

## انصارحزب الله سخنرانی لیبرال‌ها را برهم زد!

مراسم سخن رانی عزت الله سبحانی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بهم خورد. این مراسم که از سوی انجمن اسلامی دانشکده یاد شده ترتیب یافته و نزدیک به ۶۰۰ نفر در آن شرکت کرده بودند، به دلیل اعتراض و مخالفت چند ده نفر از افراد حاضر در جلسه و مجادلات لفظی میان آنان و سایرین که در ادامه به درگیری‌های فیزیکی کشیده شد، برگزار نشد. در این جلسه در حالیکه نیروهای وابسته به انصارحزب الله شعار میدادند، "آزادی اندیشه با سوت و کف همیشه" "مرگ بر ضد ولایت فقیه"، عده‌ای نیز شعار "مرگ بر طالبان"، "توپ، شعار، انحصار دیگر اثر ندارد" سر داده بودند.

## کاهش سرمایه گذاری و تولید

معاون صنایع غیرفلزی اعتراف کرد که در سال گذشته سرمایه گذاری صنعتی ۴۰ درصد نسبت به سال ۷۶ کاهش یافته است. وی همچنین گفت که برخی تولیدات غیر فلزی نظیر لاستیک خودرو، صابون، الیاف و تابس آکریلیک و نخ پلی استر بین ۴ تا ۱۷ درصد کاهش یافته است.

## بیکاری و رکود در کرمانشاه

رئیس اتاق بازرگانی استان کرمانشاه اعلام کرد از ۴۰۰ واحد صنعتی موجود در استان، ۲۰۰ واحد بکلی تعطیل شده‌اند. وی نرخ بیکاری در این استان را ۲۴ درصد و رقم بیکاران ثبت نام شده را ۸۰ هزار نفر قید نمود. در زمینه کشاورزی نیز نامبرده چنین عنوان کرد که از ۷۵۰ هزار هکتار اراضی مستعد کشاورزی استان، تنها حدود ۲۰ درصد زیر کشت قرار دارد.

## مرگ دلخراش ۵ کارگر

کارگر جوانی بنام ابودر غفاری، در حین کار در یک ساختمان، به علت ریزش دیوار زیر خروارها خاک مدفون شد و جان خود را از دست داد. کارگر جوان دیگری بنام جلیل حسینی نیز در حین کار در یک ساختمان از طبقه هجدهم سقوط کرد و دردم جان سپرد. این کارگر فقط ۲۲ سال داشت. کارگر جوانی که در حال حفرتی بود، بر اثر اتصال سیم‌های دستگاه حفرتی، دچار برق گرفتگی شدید شد و پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد. همچنین روز جمعه ۲۴ اردیبهشت، دو کارگر بنام عارف امامی ۳۰ ساله و رضا شاهی ۲۰ ساله که در عمق ۷ متری در محل گود برداری مشغول به کار بودند، در اثر فرو ریختن دیوار آجری جان خود را از دست دادند.

## واگذاری صدها کارخانه و طرح صنعتی به بخش خصوصی

در ادامه واگذاری کارخانه‌ها و شرکت‌های تولیدی دولتی به بخش خصوصی، اسامی و مشخصات ۲۰۷ کارخانه و طرح صنعتی دیگر که بایستی در سال جاری به بخش خصوصی واگذار شود اعلام گردید. سهام متعلق به سازمان صنایع ملی ایران در ۵۵ کارخانه تولیدی و ۱۶ طرح صنعتی، سهام متعلق به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران در ۴۲ کارخانه تولیدی و ۱۱ طرح صنعتی و همچنین سهام متعلق به بانک صنعت و معدن در ۷۶ واحد تولیدی و ۷ طرح صنعتی، مجموعه سهامی است که برای واگذاری آن به بخش خصوصی در سال جاری اعلام شده است. روزنامه رسالت ۱۵ اردیبهشت، مشروح اسامی این واحدها و طرح‌ها را در سراسر کشور به چاپ رسانده است. برخی از این واحدها که در تهران قرار دارند از این جمله‌اند: آجرثبات، آجر سفالین، صنایع شیر ایران، چرم درخشان، ویتانا، بافکار، ممتاز، گروه صنعتی ملی، گروه صنعت وین، لوله و ماشین‌سازی ایران، صنایع معدنی پارس، ایران خودرو، ایران کاوه، گروه صنعتی خاور، سایپا، شهاب خودرو، پارس خودرو، زامیاد، صنعتی خودرو سازان، چرخشگر، ماشین‌سازی پارس، صنایع هوایی ایران و... روشن است که دولت سرمایه داران، از طریق واگذاری مراکز تولیدی به بخش خصوصی برای نجات خود از بحران و ورشکستگی و به منظور خدمت هرچه بیشتر به سرمایه داران و کارفرمایان، بیش از پیش دست آنها را در اخراج، بیکار سازی و تشدید فشار و استثمار کارگران باز می‌گذارد و عملاً زمینه اخراج ده‌ها هزار کارگر دیگر را فراهم میکند.

## تهدید به بمب گذاری

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی الیگودرز، در ارتباط با حمایت از یک برنامه موسیقی تهدید به بمب گذاری شد. ناشناسی در تماس تلفنی تهدید کرده بود در صورت اجرای برنامه موسیقی در این اداره بمب گذاری خواهد شد. قابل ذکر است که یک هفته قبل از آن نیز انفجاری در برابر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خرم‌آباد رخ داد که یک نفر زخمی شد.

## \* چند خبر کوتاه

وزیر آموزش و پرورش در جلسه شورای آموزش و پرورش استان گفت، این وزارتخانه امسال در فصل اول پرداخت حقوق معلمان ۸۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه دارد. (رسالت ۱۶ اردیبهشت)

سرپرست دفتر ایمنی و ترافیک سازمان حمل و نقل اعلام کرد طی یک سال گذشته ۱۴ هزار و ۷۰۰ نفر (روزانه ۴۰ نفر!) در اثر حوادث رانندگی کشته شده‌اند.

محبوب گفت ۹۵ درصد واحدهای تولیدی دائر، یک شیفته است.

## موج گرانی و راه مقابله با آن

فقر زندگی کنند. علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر وابسته به جناح دیگر حکومتی نیز به نحو دیگری به این مطلب اعتراف می‌کند او می‌گوید "قدرت خرید کارگران در سال‌های اخیر دوسوم کاهش پیدا کرده و اختلاف فاحشی بین درآمدها و هزینه‌های جامعه کارگری وجود دارد" و "بین درآمدها و هزینه‌های جامعه کارگری دو بیست درصد فاصله وجود دارد" (کار و کارگر ۱۲ اردیبهشت ۷۸) این اعترافات کارگران رژیم نیز ابعاد فاجعه آمیز گرانی‌ها و افزایش نرخ تورم و نیز وخامت اوضاع معیشتی کارگران و سایر اقشار کم درآمد و زحمتکش جامعه را بازتاب می‌دهد و نشان می‌دهد که اکثریت عظیم مردم باچه فقر و فلاکت و گرسنگی کم سابقه و کشنده‌ای دست به گریبان می‌باشند. این موضوع بقدری حاد شده است که سران رژیم بار دیگر به یاد مبارزه با گرانی‌فروشی و گرانی افتاده و داستان کهنه شده کنترل و نظارت بر قیمت‌ها را پیش کشیده‌اند. اما کارگران و سایر اقشار مردم زحمتکش ایران که سال‌هاست از این دست ادعاهای پوچ و عوام‌فریبانه رژیم را چه در دوره نخست وزیری موسوی و چه زمان ریاست جمهوری رفسنجانی شنیده‌اند، اکنون دیگر از طرح مجدد این بازیچه مسخره حالشان بهم می‌خورد و دیگر فریب اینگونه دودوزه بازیچه‌ها و ریاکاری‌ها را نمی‌خورند. کارگران و عموم توده‌های زحمتکش به تجربه دریافته‌اند مادام که رژیم جمهوری اسلامی هست، اوضاع بر همین منوال است و نه فقط بهبودی به نفع آنان حاصل نمیشود، بلکه اوضاع روز بروز وخیم‌تر هم میشود. آنان این مسئله را دریافته‌اند که برای پایان دادن به این مصائب و بدبختی‌ها و ایجاد یک تحول کیفی در اوضاع اقتصادی و معیشتی خود، قبل از هر چیزی باید کار این رژیم را یکسره کنند و اساساً به همین منظور است که دارند در ابعادی گسترده وارد میدان می‌شوند.



مشاغل کاذبی شده اند که هر روز تعداد آنها بیشتر میشوند. یکی از این مشاغل کاذب دستفروشی "غیر قانونی" است که در پاریس اغلب در مترو به چشم میخورند. مدیریت متروی پاریس بخشی از کارکنان خود را به جمع آوری بساط دستفروشان "غیرقانونی" که در راهروها و یا ورودی های مترو به کسب مشغولند، اختصاص داده است. در واقع متروی پاریس و دستگاه دولتی بخشی از زحمتکشان را به جان بخش دیگری انداخته است.

صبح روز سه شنبه ۱ ژوئن ۱۹۹۹ یکی از کارکنان متروی پاریس که برای جمع آوری بساط یک دستفروش اقدام کرده بود، مورد ضرب و شتم او قرار گرفت و روز بعد خبر درگذشت او اعلام شد. کارگران و کارکنان "شرکت مستقل حمل و نقل پاریس" در عرض کمتر از سه یا چهار ساعت در همبستگی با همکار خود از همان بعدازظهر روز سه شنبه دست از کار کشیدند و تمام متروی پاریس که بیش از سیصد و شصت ایستگاه دارد و سپس تمام خطوط اتوبوس از حرکت ایستادند. این اعتصاب روزهای چهارشنبه و پنجشنبه حالت عمومی به خود گرفت، به طوری که درهای ورودی مترو کاملاً بسته بودند. در پنجشنبه کارگران و کارکنان شرکتهای حمل و نقل عمومی شهرهای مarse و لیون نیز در همبستگی با همکاران پاریسی خود دست به اعتصاب زدند. در حالی که سندیکاها روز پنجشنبه در حال مذاکره با مدیریت بودند، گزارش کالبد شکافی اعلام نمود که مرگ مامور مترو ربطی به ضرب و جرح نداشته و او در اثر یک بیماری درگذشته است. در این حال اعتصابی که قرار بود تا روز دوشنبه ۷ ژوئن ادامه پیدا کند، پنجشنبه شب، ۲ ژوئن پایان یافت ولی کارگران و ماموران مترو از ساعت ۱۳ و سی دقیقه تا ۱۷ دست از کار می کشند تا بتوانند در مراسم به خاکسپاری همکار خود شرکت کنند. در پی این اعتصاب و مذاکرات بین اتحادیه ها و مدیریت و دولت قرار شد که از این پس نیروهای پلیس به جمع آوری بساط دستفروشان بپردازند، هشتاد پلیس و مامور امنیتی در مترو به کارگمارده شوند و دستمزدهای اعتصاب کارگران و ماموران مترو و اتوبوسرانی به خانواده مامور درگذشته پرداخت شود. آنچه مسلم است این تصمیمات درد اساسی را دوا خواهد کرد.

## مبارزات کارگران کمپانی نفتی "الف"

در آخرین هفته ماه مه مبارزات کارگران کمپانی نفتی "الف" هشتمین هفته خود را پشت سر گذاشت. این کارگران که در ماه فوریه دست به یک اعتصاب سه روزه با شرکت دوازده هزار نفر برای کاهش ساعات کار زده بودند (نگاه کنید به کار شماره ۳۲۳) اکنون اعتصابات، اعتراضات و تجمعات خود را بیش از پیش در اعتراض به اخراج ۱۳۲۰ کارگر پی میگیرند. روز جمعه ۲۸ مه بیش از ۱۵۰۰ کارگر "الف" که اخیراً قراردادی ۳۰۰ میلیون دلاری برای بهره برداری از منابع نفت جنوب ایران با جمهوری اسلامی بسته است) در محل دفتر مرکزی این کمپانی عظیم نفتی با ۸ میلیارد فرانک فرانسه سود در سال گذشته گرد آمدند. در این روز هیئت رئیسه "الف" جلسه داشت. کارگران خشمگین با پرتاب ترقه، پخش گزارش های مالی مربوط به کمپانی، پرتاب موانع

سازیهای، بدون شکر وند اخراج سازیهای باعث بیکاری هزاران نفر کارگر خواهد شد و از مقامات دولت خواستند که امنیت اشتغال کارگران را تضمین نماید. برای مقابله با اعتصاب شکنان، کارگران مدخل ورودی به بنادر را اشغال کرده واز ورود و خروج آنان جلوگیری کردند.

## شرایط غیر انسانی کار در کشورهای حاشیه خلیج فارس

هر ساله هزاران نفر کارگر مهاجر از پاکستان، هند و کشورهای جنوب شرقی آسیای کشورهای حاشیه خلیج فارس میشوند تا با کار طاقت فرسا و درآمد ناچیزی از این راه، زندگی خود و خانواده خود را تامین نمایند. این کارگران که اغلب از مناطق روستائی و محروم کشورهای خود می آیند، مهاجرت به کشورهای حاشیه خلیج و کار در شرایط غیر انسانی را تنها راه ممکن برای ادامه زندگی خود می یابند. آنان هم در کشور خود و هم در کشور میزبان از حداقل حقوق انسانی و اجتماعی محروم بوده و فقدان حداقل تشکل صنفی در کشورهای میزبان، خود عاملی برای تشدید زورگویی کارفرما و تضییق حقوق آنان است. اما کار طاقت فرسا و دستمزد ناچیز تنها مشکلی نیست که گریبانگیر این کارگران است. به نوشته روزنامه "اخبار خلیج" امارات متحده عربی، این دسته از کارگران دائماً توسط کارفرما مورد آزار و اذیت قرار میگیرند. یکی از این موارد، عدم پرداخت دستمزد از سوی کارفرما است. در این شرایط، کارگران مستاصل مانده و هیچ اقدامی نمیتوانند در این زمینه انجام دهند. فقدان حداقل تشکل و حاکمیت قوانین قرون وسطائی در کشورهای حاشیه خلیج، عرصه را بر این کارگران چنان تنگ میکنند که برخی از آنان تنها راه خلاصی از زورگوییهای کارفرما و نگرانی از مرگ فرزندان در اثر گرسنگی را در خودکشی و از بین بردن خود مییابند. به نوشته همین روزنامه، تنها در ۲ ماه اخیر، ۱۳ کارگر مهاجر دست به خودکشی زده و به زندگی خود پایان داده اند. اما این کارگران هنگام خودکشی نیز مشکلات مالی خود و خانواده های گرسنه خود را فراموش نکرده و به این دلیل یکی از راههای متداول خودکشی در میان کارگران مهاجر پرتاب خود به زیر چرخ اتوموبیلها در حال حرکت است. در این صورت راننده اتوموبیلی که منجر به قتل این کارگر شده موظف به پرداخت خون بهای مقتول به خانواده وی خواهد بود.

## اعتصاب در متروی پاریس

بیکاری یکی از مصائب عظیم اجتماعی است که نظام سرمایه داری نه میخواهد و نه میتواند به حل آن بپردازد. در فرانسه تعداد بیکاران طبق آمار رسمی حدود سه میلیون نفر میباشد که تقریباً دوازده درصد جمعیت فعال این کشور را تشکیل میدهند. اما اگر تعداد کسانی که کارهای نیمه وقت دارند و یا با قراردادهای موقتی و اغلب با دستمزدهائی که نام "دستمزدهای فقر" را گرفته اند، به این ارقام بیافزاییم، آمار واقعی بیکاران به رقم دهشتناک شش میلیون نفر میرسد. این وضعیت موجب افزایش

## اعتصاب کارگران در رومانی

اواخر ماه آوریل بیش از ۲ میلیون نفر از کارگران رومانی دست به یک اعتصاب ۲ ساعته زدند. این اعتصاب در واقع هشداری بود به دولت این کشور برای قطع فورری سیاستهای اقتصادی خود. در این حرکت، کارگران به دولت هشدار دادند در صورت عدم تحقق خواسته هایشان دست به یک اعتصاب نامحدود خواهند زد. در ادامه همین اعتراضات روز ۲۴ مه، دهها هزار نفر کارگر مجدداً دست از کار کشیده و اینبار کارها را به مدت ۲۴ ساعت تعطیل کردند. در این روز هزاران نفر از کارگران در شهرهای مختلف رومانی دست به راهپیمائی زده و خواستار توقف فورری خصوصی سازیهای و افزایش هزینه های رفاهی برای کارگران شدند.

## اعتصاب معدنچیان در لهستان

روز ۲۴ مه، صدها معدنچی خشمگین در اعتراض به وضع نابسامان اقتصادی و تصمیم دولت مبنی بر تعطیل بیش از ۲۰ معدن که منجر به بیکاری ۶۰ هزار معدنچی خواهد شد، به ساختمان وزارت دارائی این کشور در شهر ورشو حمله برده و ساختمان این وزارتخانه را به اشغال خود درآوردند. کارگران در این حرکت خواستار افزایش کمکهائی اقتصادی دولت به معادن این کشور شدند، که به بهانه زیان آور بودن در آستانه ورشکستگی قرار دارند. آنان از وزیر کار خواستند که حمایت دولت از کارگران بیکار را افزایش دهد. در صورت تحقق تصمیمات دولت تا سال ۲۰۰۱ تعداد کارگران معدن در این کشور به ۱۴۰ هزار نفر کاهش خواهد یافت.

## اعتراض کارگران در جمهوری دومینیکن

در اعتراض به فشار مردم فزاینده و کمربند اقتصادی روز ۱۸ مه، هزاران نفر از کارگران در جمهوری دومینیکن به دعوت اتحادیه های کارگری این کشور دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. در این روز کلیه مدارس، مراکز تولید، مراکز تجاری و ادارات دولتی در شهرهای مختلف این کشور تعطیل شد. اعتصابیون خواستار کاهش قیمت مایحتاج اولیه و افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم شدند.

## تعطیل بنادر در شیلی

روز ۶ مه، صدها نفر از کارگران بنادر در سراسر شیلی دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب در اعتراض به فقدان امنیت شغلی کارگران انجام گرفت. کارگران اعلام نمودند که با آغاز روند خصوصی

زنده باد سوسیالیسم



که بوهایی گاز در محل می پراکندند و پرتاب مخازن محتوی آب و فریاد "ژفره" (مدیرعامل الف) استعفا، استعفا" صدای اعتراض خود را چنان بلند کردند که مدیرعامل، جلسه هیئت رئیسه را معلق و تحت فشار اعتراض کارگران محل را ترک کرد. یکی از نماینده گان کارگران در این بین گفت: " آقای رئیس، شما چگونه گوش شنوائی برای مبارزات ما که اکنون هشت هفته است در شهرهای لاک، پو و پاریس ادامه دارند، ندارید؟ گفتگوی اجتماعی که شما مدعی آن هستید کجاست؟ " از سوی دیگر در همین روز دادگاه شهر " پو " به خواست "ژفره" که تقاضا کرده بود که کارگرانی را که یکی از مراکز کامپیوتری کمپانی " الف " را اشغال کرده بودند از محل بیرون کنند رای مخالف دادوآظهار داشت، از آنجائیکه این شکل حرکت قبلا توسط کارگران اعلام شده بود جزئی از حق اعتصاب آنان است ولذا اخراج آنان غیرقانونی است. روز جمعه ۲۸ ماه مه ۱۹۹۹ روز سیاهی برای ژفره و دیگر سرمایه داران شرکت "الف" بود که با مبارزه متحد و رادیکال کارگران شدیداً زیر فشار قرار گرفته اند.

## اعتصاب درموزه ها و مراکز تاریخی

مبارزات متحد کارگران و کارمندان موزه های گوناگون فرانسه که وابسته به وزارت فرهنگ این کشور هستند تقریباً در تمام مدت ماه مه ادامه پیدا کردند و موجب تعطیلی بسیاری از موزه ها از جمله لوور، کاخ ورسای، موزه اورس، پانتئون و غیره شدند. کارکنان موزه ها خواهان تبدیل قراردادهای کارموقتی به دائمی و ایجاد مشاغل جدید هستند که به گفته آنان در مراکز فرهنگی به اندازه کافی وجود ندارند.

## اعتصاب کارگران و کارکنان بخش خدمات در هلند

از روز ۱۵ ماه مه، هزاران تن از کارگران و کارکنان بخش خدمات دولتی در شهرهای مختلف، دست به اعتصاب زدند. نخست رانندگان وسائط نقلیه عمومی به نوبت در شهرهای رتردام و اوترخت دست از کار کشیدند. پس از آن کارگران بخش نظافت و جمع آوری زباله، از روز ۲۲ مه، با خواست افزایش دستمزد، اعتصاب خود را آغاز کردند، سپس این اعتراض گسترش یافت و شهرهای آمستردام و رتردام را فراگرفت. کارگران نظافتچی خواهان افزایش سالانه دستمزدها به میزان ۳/۵ درصد بودند. در حالی که کارفرمایان تنها با افزایش ۵ درصد، طی سه سال موافقت داشتند. در پی مذاکرات متعدد و پیگیری کارگران در تحقق مطالباتشان، پس از ده روز و در شرایطی که شهرهای بزرگ رتردام و آمستردام را کوهی از زباله فراگرفته بود، کارفرمایان سرانجام مجبور به پذیرش خواست اعتصابیون شدند.

## اعتصابات کارگری در سورینام

در نیمه دوم ماه مه و همزمان با گسترش مبارزات توده ای علیه دولت حاکم بر سورینام، موجی از حرکات و اعتصابات کارگری این کشور رافراگرفت. روز ۲۱ ماه مه بیش از چهار هزار تن از کارگران و زحمتکشان در اعتراض به فقر فزاینده، باراهپیمائی وسیع در "پاراماریبو" خواهان برکناری رئیس جمهور این کشور شدند.

## انفجار در معدن ذغال سنگ در اوکراین جان ۳۰ معدنچی را گرفت

در نیمه اول ماه مه، در نتیجه انفجار در یکی از معدن ذغال سنگ اوکراین، ۳۰ معدنچی کشته و بیش از ۴۰ تن شدیداً مجروح شدند. نبود امکانات و وسائل ایمنی طی سالهای گذشته موجب انفجار در معدن مختلف این کشور شده است.

## اعتراضات گسترده علیه نشست سران اروپا

در آستانه برگزاری نشست سران کشورهای اروپائی در آلمان، از روز ۲۹ مه، اعتراضات متعددی علیه سیاستهای اقتصادی، اجتماعی "جامعه مشترک اروپا" برگزار شد.

روز ۲۹ مه بیش از چهار هزار تن بدعوت اتحادیه های کارگری، گروهها و سازمانهای مترقی و صلحدوست اروپا از نقاط مختلف راهی شهر کلن شدند. در این روز سیاستهای جنگ طلبانه دول اروپائی و جنگ در یوگسلاوی شدیداً محکوم شد. بیکاری و فقر از دیگر محورهای اعتراضی شرکت کنندگان بود. هزاران پلیس ضد شورش طی این روز در محل تظاهرات بسیج شده بودند.

روز چهارشنبه ۲ ژوئن نیز دهها تن از معترضین یکی از مراکز و دفاتر اقتصادی وابسته به "جامعه اروپا" در شهر کلن را مورد حمله قرار داده و با خرد کردن درها و شیشه های آن، اعتراض خود را نسبت به "اروپای واحد" که جز فقر و بدبختی و جنگ، دستاوردی نداشته است، نشان دادند.

\*\*\*\*\*

## سمینار سازمانهای

### کمونیست در پاریس

روز شنبه ۸ مه ۱۹۹۹ سمینار یک روزه ای در یکی از شهرهای حومه پاریس به نام مالاکوف برگزار شد. سمینار به ابتکار دانشگاه خلقی ژرژ پلتریز و به مناسبت هشتادمین سالگرد تشکیل نخستین کنگره انترناسیونال سوم برگزار شد. در این سمینار نماینده یا هیاتهای نمایندگی احزاب چپ از کشورهای فرانسه، الجزایر، آلمان، بلژیک، کامرون، کنگو، کره شمالی، ایتالیا، چاد، ترکیه و هند شرکت داشتند. از ایران نیز، سازمان ما به کفرانس دعوت شده بود و یکی از رفقای تشکیلات خارج سازمان در سمینار شرکت داشت. نمایندگان لوکزامبورگ، لهستان، یونان، انگلستان، آمریکا، سوئد و روسیه نتوانستند در سمینار حضور یابند.

بخش اول سمینار به بررسی تاریخ انترناسیونال کمونیستی اختصاص داشت. در بخش دوم سمینار، پیرامون ضرورت انترناسیونالیسم پرولتری گفتگو شد. این بخش از سمینار نسبتاً بحث انگیز، و به شدت تحت تاثیر مساله روز یعنی تجاوز نظامی ناتو به یوگسلاوی بود. در این بخش از سمینار بحثی در مورد ضرورت پایه گذاری انترناسیونال جدید در گرفت. برخی معتقد بودند که امکان این امر به فوریت وجود دارد. ولی نظرات اکثریت این بود که بنیانگذاری یک انترناسیونال کمونیست در شرایط فعلی مقدور نیست چرا که لازمه این امر وجود احزاب مارکسیست \_ لنینیست با نفوذ در جنبش کارگری کشورهای مختلف جهان است. حال آنکه خواه در کشورهای سرمایه داری پیشرفته

## جنبه های از پیشینه

### جنگ اخیر در یوگسلاوی

داشت. از همین روست که شاهدیم طی دوره اخیر، روگوآ، آشکارا به نزدیکی به این جریان همت گماشته تا از رادیکالیسم موجود در میان صفوف این گروه بکاهد. قابل ذکر است که نیروهای بدنه UCK عمدتاً حامل گرایشات رادیکال اند. در بخش هائی از رهبری، کادرهای این جریان وارد مذاکرات و روابط سیاسی شدند که تا قبل از آن توسط روگوآ پیش برده می شد. هیئت کوسوآئی اعزامی در مذاکرات "رامبویه" جریانات و گرایشات مختلف از UCK به عنوان "تروریست" نام برده میشود، از آنها در این نشست ها دعوت شد و آنها ۵ نماینده داشتند. اتحادیه دمکراتیک کوسوو به رهبری "روگوآ" ۶ نماینده و سایر جریانات اپوزیسیون حاضر در مذاکرات، در مجموع یک هیئت ۶ نفره به "رامبویه" اعزام داشته بودند.

شرکت نمایندگان جریانات اپوزیسیون در این مذاکرات، بیش از هر چیز به رسمت شناخته شدن این گرایشات سیاسی در سطح بین المللی بود. اما از سوی دیگر نشست مشترک این گرایشات غالباً متضاد، نتیجه سیاسی دیگری نداشت که آن نزول خواست استقلال کامل "کوسوو" به "استقلال در چارچوب صربستان" بود.

پس از پایان سری اول مذاکرات، هیئت کوسوآئی از امضای قرارداد خودداری کرد. آمریکا و اروپا تهدید کردند که در صورت عدم امضای قرارداد، به بمباران دست خواهند زد. این در شرایطی بود که مخالفت با قرارداد، نه از جانب میلوسویچ که از سوی گروه "کوسوآئی تبار" بود و این بدترین سناریوی ممکن برای ناتو محسوب می شد.

نکته قابل ذکر این است که گرایشات متعددی نیز از شرکت در این مذاکرات خودداری نموده بودند و این اقدام را "دامی" برای انحراف از مبارزات علیه میلوسویچ و علیه تجاوز نظامی قلمداد کرده بودند. آنان اعلام داشتند که این مذاکرات، سدی در مقابل مبارزات برای استقلال واقعی خواهد بود. علاوه بر این جریانات، شخصیتهای معروفی چون "اسماعیل کاداره" نویسنده آلبانیائی، توافق برخی گروهها با دول غربی را شرم آور توصیف کرده بودند. آنچه مسلم است این است که مجموعه شرایط فوق موجب گشت که علیرغم امضای قرارداد "رامبویه" از سوی برخی جریانات، سیاستهای ناتو موفقیتی نیابد و روند اوضاع از دست آنها خارج شد. اقدام بعدی ناتو، بمباران یوگسلاوی، تلاشی برای جبران این شکست بود.

و خواه در کشورهای عقب مانده، احزاب مارکسیست \_ لنینیست انقلابی یا وجود ندارند، و یا فاقد رابطه تنگاتنگ با طبقه کارگرند. لذا فعالیت روزلفزون برای ایجاد احزاب مارکسیست \_ لنینیست صاحب نفوذ در جنبش کارگری، از وظائف عمده و اساسی کمونیست هادرسر اسر جهان اعلام شد. در این بخش، بر ضرورت مبارزه با تجدیدنظر طلبی تاکید شد. سمینار در محیطی بسیار صمیمی و رفیقانه برگزار شد و با هنرنمایی گروه هنری حزب کار ترکیه که ترانه های به زبانهای مختلف اجرا نمود، پایان یافت.



## سرمایه داران و دولت آنها با جان کارگران بازی می کنند

روز گذشته در حالی که کارگران صنعت نفت اهواز در حال مرمت یک حص لوله انتقال گاز بودند، در نتیجه انفجاری که بوقوع پیوست دهها کارگر دچار سوختگی و صدمات شدید شدند.

روابط عمومی وزارت نفت اعلام کرد که تعداد ۴۰ تن از کارکنان دچار سوختگی سطحی شدند و تعداد دیگری که گفته می شود متجاوز از ۳۰ نفر می باشند، به علت شدت سوختگی به بیمارستان صنعت نفت تهران انتقال یافتند.

وقوع این حادثه در صنعت نفت، نه اولین و نه آخرین حادثه از این نوع است. در طی چند سال گذشته، کارگران صنعت نفت مداوماً با حوادث متعدد ناشی از کارو گاه حوادث بسیار خطرناک روبرو بوده اند. در همین یک سال گذشته، دهها تن از کارگران صنعت نفت، در جریان چند حادثه جان باختند و یا شدیداً مصدوم شدند.

وزارت نفت به روال سابق این بار هم اعلام نمود که هیئتی را مامور بررسی علل وقوع این آتش سوزی کرده است. اما تا کنون هیچ گام عملی برای جلوگیری از این حوادث برداشته نشده است. علت این حادثه نیز همانند حوادث گذشته روشن است و آن عدم ایمنی محیط کار، فقدان امکانات ایمنی و نبود ضوابط و موازین لازم برای ایمن سازی محیط کار است.

جمهوری اسلامی در هر سال میلیاردها دلار حاصل دسترنج کارگران نفت را به جیب می زند، اما حاضر نیست، بخش ناچیزی از درآمد نفت را صرف ایمن سازی محیط کار کند. لذا به علت سطح بسیار نازل ایمنی محیط کار، مداوماً حوادث ناشی از کار رخ می دهند و گروه گروه کارگران این صنعت جان می بازند و یا مادام العمر علیل می شوند.

البته این وضع تنها مختص کارگران صنعت نفت نیست. تمام کارگران ایران مداوماً با خطرات ناشی از حوادث و سوانح ناشی از کار روبرو هستند. برطبق آمار رسمی، در هر سال ۱۰ هزار تن از کارگران ایران در اثر حوادث ناشی از کار جان می بازند و ۱۵۰ هزار حادثه خطرناک برای کارگران اتفاق می افتد. این وضع اسف بار و فاجعه بار نتیجه حرص و آز سرمایه داران و دولت آنها برای کسب هرچه بیشتر سود است.

سرمایه داران و دولت آنها تا آنجا که می توانند از هزینه های مربوط به ایمن سازی محیط کار و وسائل ایمنی می کاهند تا سود خود را افزایش دهند. این افزایش سود به قیمت جان کارگران تمام میشود. اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی نیز به تداوم این وضع کمک کرده است. کارگران ایران از داشتن تشکلهای مستقل و علنی محروم اند، لذا نمی توانند بشکلی منسجم و متشکل در برابر این اقدامات دولت و کارفرمایان بایستند و خواهان کنترلی جدی برای ایمنی محیط کار شوند. لذا سرمایه داران به زورگویی و جنایات خود ادامه می دهند. راه دیگری جز تشکل و مبارزه کارگران برای مقابله باین وضع نیست. کارگران تنها با ایجاد تشکل و یک مبارزه متشکل می توانند جلو این فجایع سرمایه داران و دولت آنها را بگیرند.



## اولتیماتوم وزارت اطلاعات به مخالفین

سران دستگاه سرکوب، کشتار، شکنجه و جاسوسی موسوم به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، در پی یک گردهم آیی سه روزه که برای تعیین سیاستهای این دستگاه در قبال اوضاع بحرانی کنونی تشکیل گردید، بیانیه ای منتشر کردند، که جوهر آن اولتیماتوم به مردم و مخالفین سیاسی رژیم است. در بخشی از این بیانیه آمده است که کارکنان وزارت اطلاعات با «تعهد به بیعت خویش با مقام رهبری، آمادگی خود را برای اجرای سیاستها و برنامه های نظام و مقابله با تحریکهای سوء ضد امنیتی داخلی و خارجی اعلام میکنند.» در بخش دیگری از این بیانیه نیز گفته شده است:

«مقابله قانونی با فعالیت های ناآگاهان، فریب خوردگان و یا عوامل هدایت شده بیگانگان که موجب تضعیف امنیت ملی و نظام اطلاعاتی میگردد.» در زمره موضوعات مورد توجه در این همایش بود. در همین حال قائم مقام وزارت اطلاعات، آخوندی به نام شفیع نیز خطاب به جناح های حکومتی گفت: «اجازه ندهیم غیرخودی ها از فضای موجود بهره برداری کنند.» بیانیه سران وزارت اطلاعات در حالی منتشر میگردد که جمهوری اسلامی روز به روز در بحران عمیق تری فرو می رود و موج ناراضی و اعتراض نسبت به حکومت و سیاستهای ارتجاعی آن در حال گسترش است. مبارزه کارگران در اشکال مختلف در حال اعتلاست. مبارزات دانشجویان تمام دانشگاهها را فراگرفته است. درپاره ای موارد، اعتراضات به شکل تظاهرات خیابانی در آمده است.

گسترش مبارزات مردم به خاطر آزادی های سیاسی و حقوق برحق خویش و علیه اختناق، سران رژیم را هراسناک ساخته است. در هفته های اخیر تعداد دیگری از مخالفین رژیم و معترضین به سیاستهای آن دستگیر شده اند. فشار به مطبوعات حتی آنهایی که رسماً وابسته به حکومت و جناحهای آن هستند، اما از ضوابط تعیین شده دولتی پارا فراتر نهاده، افزایش یافته است. اکنون نیز وزارت اطلاعات که در پی برملاشدن کشتار نویسندگان آزادیخواه و فعالین سیاسی، مدتی سکوت کرده بود، بار دیگر علناً با صدور بیانیه مردم را به سرکوب تهدید میکند و اولتیماتوم میدهد. اما این تهدیدها دیگر کارساز نیست. همانگونه که وحشی گریهای اخیر وزارت اطلاعات و به قتل رساندن نویسندگان توانست خللی در عزم و اراده مردم به مبارزه ایجاد کند، تهدیدها و سرکوب های آتی وزارت اطلاعات و دیگر ارگانهای سرکوب حکومت قادر نخواهد بود مردمی را که برای کسب آزادیها و حقوق خود به مبارزه علیه جمهوری اسلامی برخاسته اند به عقب نشینی وادارد. این اقدامات سرکوبگرانه بیش از پیش این حقیقت را بر عموم مردم ایران روشن تر می سازد که باید مبارزه خود را علیه حکومت و همه جناح های آن تشدید کنند و جمهوری اسلامی را با تمام دستگاههای سرکوبش برانندازند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
سازمان فدائیان (اقلیت)  
۱۳۷۸/۲/۱۲

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی  
مرگ بر نظام سرمایه داری  
زنده باد سوسیالیسم  
سازمان فدائیان (اقلیت)  
۱۳۷۸/۳/۲

## تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۹)

نهادند، با بورژوازی سازش کردند، درآغاز دست به یک اتحاد پنهانی با آن زدند و با آغاز جنگ اتحاد علنی با بورژوازی را جایگزین اتحاد پوشیده کردند.

(ادامه دارد)

منابع:

- ۱، ۸ - جلد ۲۱ مجموعه آثار لنین - سوسیالیسم و جنگ
- ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ - مبارزه لنین برای یک انترناسیونال انقلابی - اسناد ۱۶ - ۱۹۰۷
- ۹ - جلد ۲۱ کلیات آثار لنین - موقعیت و وظائف انترناسیونال سوسیالیست
- ۱۲ - امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری - لنین - ترجمه فارسی

نظم موجود شد و به عامل بورژوازی در جنبش کارگری تبدیل گردید که در برخی کشورها نظیر آمریکا مستقیماً از بورژوازی رشوه می گرفت و مبارزه کارگران را به دایره مناسبات موجود محدود میکرد. رهبری اتحادیه آمریکائی کار وابسته به گامپرز نمونه کاملی از فساد و رشوه خواری بوروکراسی کارگری بود. بوروکراسی کارگری که در تمام کشورهای پیشرفته سرمایه داری درنخستین سالهای قرن بیستم شدیداً رشد کرد و قدرت گرفت و در برخی کشورها نظیر بریتانیا ریشه های دیرینه ای داشت، یکی از سرمنشلهای اصلی اجتماعی رشد اپورتونیزم در درون احزاب سوسیال دمکرات انترناسیونال دوم بود. بنابراین روشن است که رشد اپورتونیزم و رفرمیسم در انترناسیونال دوم و جنبش بین المللی طبقه کارگر زمینه های اجتماعی و طبقاتی مشخص داشت. بدون علت نبود که احزاب سوسیالیست تدریجاً انقلاب اجتماعی سوسیالیستی و شیوه های انقلابی مبارزه را کنار

## نظارت همچنان استصوابی باقی خواهد ماند

و یا طرفدار مصدق باشد قبول نمی شود. " تا اینجا تکلیف "ملی گرایان" طرفداران مصدق" و "سلطنت طلبانی" که به استحاله درونی جمهوری اسلامی امید بسته و به همین قانع هستند که چند تائی نماینده در مجلس ارتجاع داشته باشند، به صراحت روشن شده است. می ماند داوطلبانی که "باخانی خوش و بش داشته" یا "پولی از جائی بدست آورده" یا "ولایت فقیه را قبول نداشته باشند" اینها نیز تشخیص اش برعهده شورای نگهبان است و احتمالاً بیشتر شامل "خودی ها" نمی میشود که وابسته به جناحهای سهیم در حاکمیت اند. بنابراین از هم اکنون جناح طرفدار خامنه ای روشن کرده است که به هیچ وجه حاضر نیست، مجلس را در اختیار رقیب بگذارد، یا به محدود شدن حیطه اختیارات نهادها و ارگانهای وابسته به ولی فقیه گردن نهد. اما جناح مقابل که اکنون در پی موضع گیری خامنه ای عقب نشینی کرده است، راههای دیگری برای مقابله با نظارت استصوابی شورای نگهبان در پیش دارد. لایحه ای که دولت برای اصلاح قانون انتخابات به مجلس فرستاده، قرار است در آینده مورد بحث قرار گیرد. این لایحه هرچند که نظارت استصوابی را زیر سوال نمیدرد، اما به هرحال خواهان اختیارات بیشتری برای وزارت کشور و نتیجتاً محدود کردن اختیارات شورای نگهبان است. به همین علت بعید بنظر میرسد که به شکل کنونی آن تصویب شود. این کشمکش ها به شکل جنگ فرسایشی میان جناح ها بازهم ادامه خواهد یافت و دوباره هنگامی اوج خواهد گرفت که شورای نگهبان و وزارت کشور برای پیشبرد سیاست خود در آستانه انتخابات مجلس تلاش کنند. در اینجا نیز یا طرفین برسر سهمی که باید از کرسی های مجلس داشته باشند به توافق و سازش میرسند و یا دوباره خاتمی چی ها در برابر حملات جناح رقیب و از جمله خود خامنه ای مجبور به عقب نشینی میشوند. نتیجه هر چه باشد، اولاً این واقعیت روشن است که چیزی به نفع مردم تغییر نخواهد کرد و این یک کشمکش جناحها برای کسب قدرت بیشتر است. ثانیاً با دخالت هر چه بیشتر خامنه ای در نزاع جناحها درگیری های درونی حکومت، به درگیری مستقیم با خود خامنه ای خواهد انجامید. اما از آنجائی که خاتمی به نمایندگی از یک جناح، آدمی نیست که بتواند با خامنه ای درگیر شود و مواضع طرفداران خود را پیش برد، شکاف های درونی این جناح بیشتر خواهد شد. نتیجه هرچه باشد، شکاف در بالا بیشتر خواهد شد و مبارزه مردم در خارج از حاکمیت نیز رشد و اعتلا بیشتری خواهد یافت.

## تشدید اختناق و سرکوب

جمهوری اسلامی سیاست سرکوب و اختناق را تشدید کرده است. در یک ماهی که گذشت چندین گردهم آئی که از جانب گروه های ملی گرای وابسته به جبهه ملی، نهضت آزادی، و حتی گروه دانشجویی وابسته به مجمع روحانیون، با تأیید رسمی وزارت کشور سازمان داده شده بود، مورد یورش و سرکوب قرار گرفتند. چندین تجمع دانشجویی نیز که از سوی دانشجویان دانشگاه های مختلف سازماندهی شده بود و بعضاً نیز حول خواسته های مشخص صنفی و رفاهی دانشجویی شکل گرفته بودند، نظیر تجمع اعتراضی دانشجویان

دانشگاه آزاد، توسط نیروهای سرکوب رسمی و غیر رسمی مورد تعرض و سرکوب قرار گرفتند. فشار به مطبوعات تشدید شد و در طی ۳ روز ۱۰۰ اتن از مدیران مسئول نشریات به دادگاه فرا خوانده شدند. مدیران مسئول نشریات صبح امروز، نشاط ایران، خرداد، آزاد، آریا، سردبیر سابق روزنامه مناطق آزاد، در زمره این افراد بودند. برخی از این افراد چند ساعت و گاه چند روز به زندان افتادند، و اغلب آنها با سپردن وثیقه های ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومانی عجلتاً آزاد شده تا بعداً در جلسه دادگاه حضور یابند. وزارت اطلاعات در یک بیانیه شدیدالحن که پس از ملاقات وارائه رهنمود از سوی خامنه ای، خاتمی و مناطق نوری تدوین شد، مخالفین و معترضین رژیم را مورد حمله قرار داد و تهدید به سرکوب و دستگیری نمود. در عین حال برای این که مساله کشتار اخیر نویسندگان و مخالفین سیاسی را به بایگانی بسپارد، تهدید کرد کسانی که بخواهند نظام اطلاعاتی را تضعیف کنند، با آنها مقابله خواهد شد. با اشاره به همین چند فاکت، روشن است که رژیم جمهوری اسلامی برنامه همه جانبه ای برای تشدید اختناق و سرکوب در دستور کار قرار داده و بخشا آن را نیز به مرحله اجرا در آورده است. از وقایع چند هفته گذشته چنین برمی آید که جمهوری اسلامی میخواهد عرصه را حتی بر معترضین بی آزار امثال جبهه ملی و نهضت آزادی تنگ کند. روزنامه های موجود که تقریباً تمام آنها یا دولتی هستند و یا وابسته به یکی از جناحهای آن نیز دیگر قابل تحمل نیستند. لذا در مدت بسیار کوتاهی مدیران مسئول تقریباً بخش اعظم آنها به دادگاه فرا خوانده میشوند، تا از ترس محکومیت، جریمه و زندان، دیگر حتی کلامی انتقادی نداشته باشند. شواهد امر نشان میدهد که این تشدید فشار، اختناق و سرکوب، بخشا به رقابت های جناحی و تدارک برچیدن بخشی از مطبوعات و تعطیل کردن فعالیت نیمه رسمی برخی سازمانها و گروهها در دوران ماقبل انتخابات مجلس ارتجاع و در حین این انتخابات مربوط میگردد. این سیاست تشدید اختناق و سرکوب در ماههای آینده نیز پیگیرانه تر از سوی رژیم دنبال خواهد شد.

## مشت نمونه خروار

دسته ها و گروه های طرفدار خاتمی که بر خود نام جبهه دوم خرداد نهاده اند، ادعا میکنند که برخلاف جناح دیگر از آزادی و حقوق مردم دفاع میکنند و با سیاست سرکوب مخالف اند. عملکرد این دستجات بویژه در دوران خمینی که نقش بیشتری در حاکمیت داشتند، خلاف این ادعا را اثبات میکند. آنها در اوج سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و هنگامی که تمام آزادی ها و حقوق مردم مورد یورش قرار گرفت، مجری و پیش برنده این سیاست بودند. اما امروز هم برغم ادعاهای عریض و طویل شان، در هر موضع گیری و حرکت عملی نشان میدهند که همان مرتجعین گذشته اند. یکی از این گروهها، سران خانه کارگران که در عین ادعاهای پرطمطراق خود مدافع ارتجاعی ترین سیاست اند. مجادله اخیر مدیر مسئول روزنامه کار و کارگر وابسته به خانه کارگر که سابق براین معاون وزارت اطلاعات بود و امروز هم مشاور امنیتی خاتمی است، با یکی از سران جناح رقیب، محمد جواد لاریجانی، پرده از ماهیت ادعاهای این گروه از طرفداران خاتمی را برداشت. محمد جواد

لاریجانی در جریان یک سخنرانی در قزوین، جناح طرفداران خاتمی را مورد حمله قرار داد و از جمله چنین گفته بود: "همین حضراتی که امروز برای خشونت ناراحت هستند، در دهه اول انقلاب، در همین وزارت اطلاعات، هرکس مخالف آنها حرف میزد او را به صلابه می کشیدند." ربیعی در پاسخ به وی به دفاع همه جانبه ای از وزارت خانه کشتار و جاسوسی موسوم به وزارت اطلاعات برمیخیزد و مدعی میشود که نه تنها در این وزارت خانه کسی از میان خوبی ها رابه صلابه کشیده نشده بلکه حتی یک سیلی نیز به "معاندین" زده نشده است.

او در دفاعیه خود از وزارت اطلاعات مینویسد: "آنچه هدف این سیاهه درمندان است، دفاع و جانبداری از شریف ترین و پرکارترین افرادی است که در روزها و شب های بی نام و نشان، به تنهایی و در محاصره اربابان زر و زور و تزویر خارجی و بعضاً داخلی به صیانت و حمایت از گوه های بزرگی چون انقلاب، اسلام و کشور از جوانی به پیری رسیدند،" او پس از این دفاع از شکنجه گران وزارت اطلاعات، کسانی را که در پی قتل نویسندگان و مخالفین سیاسی، به این دستگاه سرکوب اعتراض کرده بودند، مورد حمله قرار میدهد و میگوید: "همین دیروز به بهانه چند فرد خودسر، هرکه هرچه دردل تنگ داشتند بر سر این وزارت مظلوم ریختند." و در پایان نیز مدعی میشود که: "امام حتی سیلی به متهم را بر نمی تافتند و کارمندان حتی برای بازجویی معاندین با وضو بر سرکار حاضر می شدند."

مدافع جامعه مدنی و آزادی نوع خاتمی در حالی این اراجیف را بر زبان می آورد، که هنوز دهها هزارتن از قربانیان این دستگاه شکنجه، کشتار و سرکوب زنده اند. امثال ربیعی و حجابیان که در دوران حاکمیت وحشیانه ترین شیوه های شکنجه و کشتار مردم ایران در اسر وزارت اطلاعات قرار داشتند، با این اراجیف فقط خود را فریب میدهند و نه مردم ایران را. چطور ممکن است مردمی که یکی از اعضای خانواده آنها و یا بستگان و نزدیکانشان به زندان افتاده، شکنجه شده و اعدام شده است، این وحشی گریهای وزارت اطلاعات را فراموش کنند. امروز کمتر خانواده ای را میتوان سراغ گرفت که خود به نحوی از انحا یکی از بستگان و نزدیکانش قربانی سیاست سرکوبگرانه وزارت اطلاعات نشده باشد. ربیعی دروغ پردازی و یاوه سرائی خود را تا بدانجا پیش میبرد که ادعا میکند خمینی "سیلی به متهم را بر نمی تافت" همان خمینی جلالی که در یکروز فرمان کشتار دهها هزار زندانی سیاسی را صادر کرد و وزارت اطلاعات تحت رهبری امثال ربیعی مجری این فرمان بودند و در طی چندروز اکثریت زندانیان سیاسی ایران را قتل عام کردند.

ربیعی با این دفاع خود از وزارت اطلاعات و وحشی گری های آن، نمیتواند واقعیت ها را قلب کند. تنها کاری که میکند این است که ماهیت دروغین آزادی خواهی، طرفداران خاتمی و خودوی را بر ملا میسازد. او در همین حال بیش از پیش ماهیت ارتجاعی سران خانه کارگر را بر ملا میسازد. اما آنها ربیعی نیست که پیگیرانه از ارتجاع و سرکوب دفاع میکند. هم مسلمان دیگر او نیز از همین قماش اند. خانم جلودارزاده یکی از سران خانه کارگر و عضو مجلس ارتجاع هم اخیر مدعی شد که در ایران چیزی بنام تبعیض میان زن و مرد وجود نداشته و ندارد. وی چند روز پیش در واکنش به محکومیت جمهوری اسلامی از سوی کمیسیون حقوق بشر بخاطر تبعیضاتی که در ایران نسبت به

## جنبه‌های از پیشینه جنگ اخیر در یوگسلاوی

متن زیر ترجمه و تلخیص مطالبی است که در نشریات متعدد خارجی، از جمله هرالد تریبون و لوموند دیپلماتیک، پیرامون جنگ در یوگسلاوی درج شده است و جهت اطلاع خوانندگان منتشر میشود.

" روند رویدادها در کشوری که سابقاً به یوگسلاوی موسوم بود و امروز به کشورهای مختلف تقسیم گشته است. پیشینه قابل توجهی دارد. "کوسوو" حاصل یکی از این تقسیمات است. آمریکا و کشور های اروپائی بهیچوجه خواهان استقلال "کوسوو" نبوده و نیستند. از همین رو آنها مذاکراتی را به که پیمان "رامبویه" معروف گشته است، علم کردند. صربستان طرح سیاسی "گروه رابط" (متشکل از آمریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس، ایتالیا و روسیه) را پذیرفت. این طرح ظاهراً "استقلال پایه ای" برای کوسوو را در چارچوب یوگسلاوی منظور کرده بود. این طرح همچنین انجام هرگونه رفتاری را برای نظر خواهی تودلی، مردود شمرده بود. از سوی دیگر از کلیه نیروها و گروههای سیاسی مسلح در "کوسوو" خواسته شده بود تا سلاحهای خود را تحویل دهند. هراس از استقلال کوسوو در واقع هراس از گسترش خواستی بود که در مقدونیه نیز بطور بالقوه موجود بود. همین خواست یعنی خواست استقلال در میان صربهای ساکن بوسنی و هرزگوین نیز هست.

بهررو غلیرغم گنجاندن کلیه مفاد فوق، "گروه رابط" عملاً قادر به اعمال هژمونی خود نشد. رابط این گروه در "کوسوو" ابراهیم روگوآ، رهبر اتحادیه دمکراتیک کوسوو (LKD) بود. وی در سال ۹۸ به ریاست جمهوری کوسوو "برگزیده" شده بود. صربستان این انتخاب را غیررسمی و غیر قانونی خوانده بود. بسیاری از احزاب اپوزیسیون از جمله ارتش رهاییبخش کوسوو (UCK) خواهان تحریم آن انتخابات شده بودند.

لازم به ذکر است که "روگوآ" از فعالین جنبش طرفداری از صلح بود. طی همین مدت، ارتباطات وسیعی با دول غربی برقرار نموده و به لحاظ سیاسی، مدافع و پیشبرنده سیاستهای دول فوق بود.

از سوی دیگر، تشدید و وخامت اوضاع در منطقه، به گسترش مبارزات مردمانجامید. جوانان بسیاری در کوسوو به صفوف مبارزات پیوستند. UCK وسیعاً رشد کرد. ناگفته نماند که "روگوآ" که مهره‌ای بیش نبود، در آن هنگام از UCK به عنوان "دست‌آویز میلسویچ" نام می‌برد.

UCK که جریانی است با گرایشات سوسیالیستی، در میان مهاجرین آلبانی در کوسوو طرفداران بسیاری دارد. آنان با مبارزات چریکی و عمدتاً در روستاها، فعالیت خود را آغاز کردند. طبعاً با گسترش و رشد مبارزات، این گروه، به وزنه ای در معادلات سیاسی بدل شد. برای دول خارجی مسلم بود که بدون حمایت و درگیر کردن این گروه. مذاکرات و پیمان ها نتیجه ای نخواهد

سر پیشبرد سیاستهای خاتمی میان جناحهای حکومت وجود داشته و دارد، در این عرصه یعنی سیاست خارجی وی تقریباً از حمایت تمام جناحهای اصلی حکومت برخوردار شد. چراکه هم‌امین جناحها بخوبی میدانند با وجود بحرانی که رژیم با آن روبروست، میباید برای نجات خود به حمایت قدرتهای جهانی و منطقه ای متکی گردد. مساله مهم در اینجا صرفاً حمایت سیاسی نیست، بلکه معضل جمهوری اسلامی

در این مرحله بویژه معضل بحران اقتصادی است. جمهوری اسلامی نمیتواند بدون جلب حمایت قدرتهای امپریالیست جهان و صدور سرمایه‌های کلان انحصارات بین المللی کمترین چشم اندازی برای تعدیل بحران اقتصادی داشته باشد. مساله بحران اقتصادی رژیم چنان جدی است که در تلاش برای فائق آمدن بر آن، رئیس جمهور حکومت اسلامی حتی حاضر شد در برابر رقیب دیرینه جمهوری اسلامی یعنی سلطان عربستان که همواره از او به عنوان نوکر دست نشانده غرب یاد میکردند، زانو بزند، و مناسبات خود را بهبود بخشد. بنابراین، خاتمی با حمایت تقریباً تمام جناحهای حکومت، برای بهبود مناسبات جمهوری اسلامی با قدرتهای جهانی و منطقه ای تلاش نمود، و میتوان گفت در تنها عرصه ای که وی در طول دو سال گذشته موفقیت‌هایی داشته، همین عرصه سیاست خارجی بوده است. اکنون مناسبات جمهوری اسلامی با دولتهای اروپائی تا بدان حد بهبود یافته که هر یک از این دولتها برای دعوت خاتمی از کشورشان میکوشند بر دیگری سبقت گیرند. قراردادهای اقتصادی کلانی میان این دولتها و انحصارات آنها با جمهوری اسلامی منعقد شده و فراتر از آن تبلیغات وارونه ای راجع به نفع جمهوری اسلامی آغاز نموده تا افکار عمومی را متقاعد سازند که اوضاع در ایران تغییر کرده و دیگر وضع گذشته حاکم نیست.

در منطقه خاور میانه و خلیج فارس نیز بویژه پس از سفر اخیر خاتمی به چند کشور عربی از دامنه تشنج های گذشته میان جمهوری اسلامی و شیوخ و سلاطین عرب کاسته شده و هر دو طرف در تلاش‌اند، مناسبات را بهبود بخشند.

لذا واضح است که خاتمی در عرصه سیاست خارجی توانسته است تا حدود زیادی رژیم را از انفراد بین المللی نجات دهد و علاوه بر این حمایت بین المللی نیز برای آن دست و پا کند. اما مساله در این است که آیا پیش روی های رژیم در عرصه بین المللی می تواند نتایج ملموس تری برای حکومت به بار آورد و آنرا از بحران همه جانبه کنونی نجات بخشد. در وهله نخست باید گفت که پیروزی های جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی، نتیجه سیاست حمایت آمیز قدرتهای جهانی از خاتمی است که در تلاش اند بهر شکل ممکن او را به قدرت مسلط در حکومت اسلامی تبدیل کنند. از این رو آنها وابسته به سرنوشت خود خاتمی هستند. ثانیاً نتایج این سیاست در عرصه اقتصادی، یعنی چیزی که رژیم شدیداً بدان محتاج است، منوط به چگونگی اوضاع داخلی است. تا زمانی که سرمایه بین المللی کاملاً احساس امنیت نکند، نمیتواند کمک چندانی به جمهوری اسلامی بکند. ثالثاً کشمکش‌ها و منازعات رژیم میتواند در شرایط خاصی تمام آنچه را که خاتمی در این دوره بافته پنبه کند. رابعاً جمهوری اسلامی با آنچنان بحران داخلی در عرصه های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی روبروست که هیچ عاملی نمی تواند او را از مخمصه بحران موجود نجات دهد. پیشروی های خاتمی در عرصه سیاست خارجی داری در مان بحرانهای حکومت نیست و دیپلماسی معجزه نخواهد کرد.

←  
زنان وجود دارد، سخن میگفت، ادعا کرد که در جمهوری اسلامی چیزی به نام تبعیض وجود ندارد بلکه "در برخی مسائل حقوق زن و مرد متفاوت است." اگر متفاوت بودن حقوق زن و مرد را تبعیض بدانیم، پس باید در برخی مسائل که مردان نسبت به زنان دارای حقوق و مزایای کمتری هستند، آن را نیز تبعیض بدانیم." جلودار زاده اضافه کرد که "قوانین ما منطبق بر شرع مقدس اسلام و با توجه به ویژگی های جسمی و روحی زن و مرد و نقش همان متفاوت آنهاست. به همین دلیل نیز در برخی از قوانین به زن و مرد به گونه ای متفاوت نگاه شده است." وی در پایان این مصاحبه نتیجه گیری کرد: "قوانینی که در جمهوری اسلامی ایران تصویب شده عموماً متضمن عدالت بین اقشار مختلف جامعه زنان و مردان است." بعید بنظر میرسد که حتی خامنه‌ای، یزدی، خزعلی و امثال این مرتجعین بتوانند با این گستاخی و بیشرمی خانم جلودار زاده تبعیض میان زن و مرد را در ایران انکار کنند.

این موضع سران خانه کارگر، استثنائی در جبهه باصطلاح دو خرداد خاتمی نیست. همه آنها کمابیش همین مواضع را دارند. موضع گیری‌ها و سیاستهای خانه کارگر، مشت نمونه خروار است.

## دیپلماسی معجزه نخواهد کرد

شکست عمومی سیاستهای جمهوری اسلامی که از مدتی پیش با وضوح تمام آشکار شده است، تنها عرصه های مختلف سیاست داخلی را در برنگرفته بلکه به سیاست خارجی رژیم نیز بسط یافته است. تا همین چند سال پیش، اساس سیاست خارجی رژیم را سیاست توسعه طلبانه پان اسلامیتی و تلاش برای استقرار دولتهای اسلامی دست نشانده در کشورهایی تشکیل میداد که مردم ساکن آنها به لحاظ اعتقادات مذهبی عمدتاً مسلمان اند.

بر مبنای این سیاست، جمهوری اسلامی در طی نزدیک به دوده تلاش نمود با سازماندهی و حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی از جنبش‌ها، سازمانها و گروههای اسلامگرا، به رویای استقرار یک امپراطوری اسلامی تحت زعامت خود جامه عمل پوشد. اما از آنجائی که این سیاست با مقتضیات کنونی جهان هیچگونه هماهنگی و سازگاری نداشت، با شکست روبرو شد و تمام سرمایه گذاری جمهوری اسلامی در این زمینه دود شد و به هوا رفت. آنچه برای جمهوری اسلامی باقی ماند، مناسبات متشنج با دولتهای منطقه بود که آماج سیاست پان اسلامیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند، و نیز مناسبات متشنج با دول غربی بود که از روحیه غرب ستیزی پان اسلامیسیم سیاست های جمهوری اسلامی در منطقه و جهان، ناشی میشد. نتیجه قطعی، انفراد بین المللی جمهوری اسلامی بود. نقطه اوج این انفراد بین المللی و شکست همه جانبه سیاست خارجی رژیم محکومیت سران حکومت در دادگاه برلین بود که با بحران همه جانبه رژیم در داخل هم زمان گردید. خاتمی که بر بستر این بحران و شکست همه جانبه سیاستهای جمهوری اسلامی بر سر کار آمد، برای حل بحرانهای رژیم، تلاش همه جانبه ای در این عرصه آغاز نمود. او با شعار تشنج زدائی، آغازگر سیاست خارجی جدید جمهوری اسلامی شد. کوشید مناسبات جمهوری اسلامی را با دولتهای اروپائی و رژیمهای حاکم بر منطقه بهبود بخشد. اگر در زمینه سیاستهای داخلی، اختلافاتی گاه جدی بر

## یادداشت‌های سیاسی

### نظارت همچنان استصوابی باقی خواهد ماند

در حالی که هنوز چند ماه به انتخابات مجلس استرجاع باقی مانده است، از هم اکنون درگیری حاسی میان جناح‌های هیئت حاکمه برای سلطه بر این ارگان دولتی آغاز شده است. طرفداران خاتمی که میدانند با وجود نظارت استصوابی شورایی نگهبان، در دوره آتی نیز جناح رقیب اکثریت مجلس را به خود اختصاص خواهد داد، پس از ماجرای استیضاح وزیر ارشاد که شکستی برای جناح مسلط محسوب میشد، دامنه تعرض خود را وسعت بخشیده و تبلیغات پر حجمی را علیه نظارت استصوابی شورایی نگهبان سازمان دادند و خواهان برچیده شدن آن شدند. کابینه خاتمی نیز از مدتی پیش لایحه‌ای را به مجلس فرستاده که هدف آن محدود کردن حیطه اختیارات شورایی نگهبان است. اما جناح مقابل به هیچ وجه بر سر این مساله حاضر به عقب نشینی نیست. به این علت که اولاً بر افتادن نظارت استصوابی به از دست دادن قطعی مجلس خواهد انجامید. این جناح تنها در صورتی میتواند مجلس را در اختیار داشته باشد که شورایی نگهبان، صلاحیت کاندیداهای وابسته به گروه‌های دیگر را رد کند، یا لاقلاً اکثریت قابل ملاحظه با صلاح و اجدین شرایط را از میان کاندیداهای جناح خود برگزیند. در غیر این صورت هیچ چشم‌اندازی برای پیروزی بر گروه‌های رقیب ندارد. ثانیاً محدود کردن حیطه اختیارات شورایی نگهبان، تعرضی مستقیم به حیطه اختیارات ولی فقیه است و خامنه‌ای حاضر نیست، محدودیت قدرت و اختیارات خود و نهادهای وارگانه‌ای که وابسته به وی هستند بپذیرد. از این رو پیش از آن که درگیری جناح‌ها بر سر نظارت استصوابی تا بدان حد پیش رود که دیگر نتوان مساله را کنترل کرد، خامنه‌ای خود راساً به مقابله با مخالفین نظارت استصوابی برخاست و در یک نطق شدیدالحن جناح رقیب را از تلاش برای حذف نظارت استصوابی بر حذر داشت. خامنه‌ای در جریان دیدار با تعدادی از ناشرین، ضمن سخنرانی خود گفت: "جنگال علیه نظارت استصوابی، یکی از مباحث بی مبنا و بی ریشه است که با هدف تضعیف شورایی نگهبان و نفوذ دادن عناصر مخالف

با اسلام و امام و نظام در ارکان قانون‌گذاری کشور انجام میشود." طرفداران وی که از قبل، زمینه یک ضد حمله را به منظور مرعوب نمودن جناح مخالف نظارت استصوابی تدارک دیده بودند، پیکرشته اقدامات تعرضی را آغاز نمودند. دستجات مختلف وابسته به این جناح در دستگاه روحانیت و ارگانها و نهادهای متعدد دیگر، با ارسال طومار، گردهم آئی و راهپیمائی، حمایت خود را از بیانات ولی فقیه ابراز داشتند. این موج تعرضی چنان گسترده بود که حتی تعدادی از طرفداران خاتمی نیز در مجلس استرجاع، نامه‌ای را امضا کردند که در آن اظهارات خامنه‌ای در دفاع از نظارت استصوابی شورایی نگهبان مورد تأیید قرار گرفته بود. متجاوز از ۲۲۵ نماینده‌ای که این نامه را خطاب به خامنه‌ای امضا کردند، ضمن تعریف و تمجید از وی ادعا کردند که "در همه حکومت‌های مردمی و دمکراتیک اصل نظارت استصوابی پذیرفته شده است. عقب نشینی گروه‌های طرفدار خاتمی در مورد این مساله چنان محسوس بود که دیگر کسی از لغو نظارت استصوابی سخنی نگفت.

ناطق نوری که از عقب نشینی‌های جناح رقیب به وجود آمده بود، با خشنودی اظهار داشت: "به نظر من سخن رهبر معظم انقلاب جلوی بسیاری از تنش‌هایی که احتمال داشت در آینده بوجود بیاید را گرفته و میگیرد. بنظر من بسیاری از توطئه‌هایی که احتمالاً در آینده ممکن بود شکل بگیرد و یا پیش بینی میشد شکل بگیرد در نطفه خفه شد." خزعلی، سخنگوی شورایی نگهبان نیز با صراحت بیشتری به ابراز نظرات خود پرداخت و گفت "شورایی نگهبان وقتی در مورد مساله‌ای اظهار نظر میکند و میگوید درست است، دیگر تمام شد و اگر گفت باطل است، تمام شد." وی که در جمع سپاه پاسداران سخن میگفت افزود: "اگر داوطلبی با خامنه‌ای خوش و بش داشته یا پولی از جایی به دست آورده، یا ولایت فقیرا قبول نداشته باشد، ملی‌گرا و یا سلطنت طلب

صفحه ۱۴

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

**اطریش**  
I. S. V. W  
Postfach 122  
Postamt 1061, Wien  
Austria

**دانمارک**  
I. S. F  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M. A. M  
Postbox 6416  
75139 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A. A. A  
MBE 265  
23, Rue Lecourbe  
75015 Paris  
France

**هلند**  
P. B. 22925  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به آدرس زیر ارسال نمائید.

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

## شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org

**KAR**

Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 326 jun 1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق